

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۶ مارچ ۲۰۲۱

رقابت‌های خطرناک دولت‌های ترکیه، ایران، روسیه، امریکا، اسرائیل و... در خاورمیانه!

سال ۲۰۲۰ همراه با شیوع گسترده کوید ۱۹ و پیامدهای ناشی از آن همچون سرکوب و سانسور، فقر و بیکاری، سقوط گسترده شاخص‌های اقتصادی، انزوای اجتماعی و ... همراه بود و تاکنون این وضعیت در سال ۲۰۲۱ نیز ادامه دارد. در چنین فضائی دولت‌ها و گروه‌های تروریستی نیز تلاش کردند از این شرایط در جهت منافع خود و گسترش فعالیت‌هایشان استفاده کنند.

از سوی دیگر با توجه به شرایط قرنطینه سرتاسری و انزوای اجتماعی، دولت‌ها تلاش کردند موقعیت خود را تحکیم بخشند. در چنین وضعیتی عنصر منازعه و فضای بی‌ثباتی، به مثابه شتاب دهنده برای شکل‌گیری فعالیت‌های میلترایستی و تروریستی منجر شده است.

جو بایدن رئیس جمهوری کنونی امریکا، به روابط و نفوذ امریکا در منطقه خاورمیانه افزوده است. اوضاع سیاسی امریکا صرف‌نظر از این‌که چه کسی در کاخ سفید باشد، هر چند دستخوش تغییر شده، اما در صحنه قدرت، به ویژه در صحنه خاورمیانه فعال‌تر شده است. هدف اصلی رئیس جمهور جدید امریکا بازگرداندن اعتبار و جایگاه قدرتی امریکاست که در دوره ریاست جمهوری ترامپ آسیب‌دیده و منزوی شده است. اما عصر حاضر عصر شکست ابرقدرت‌ها و ظهور جنبش‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب از جمله در خود امریکاست!

از سوی دیگر، خاورمیانه نیز شاهد دگرگونی‌های بسیاری شده است. در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸، تحولات بسیاری به وجود آمد؛ ائتلاف عربی در ریاض تأسیس شد و بساط «خلافت داعش» را برچیده شد، عربستان سعودی شاهد اصلاحات گسترده‌ای شد، واشنگتن از برجام خارج شد، ارتش ملی لیبی بخش وسیعی از کشور را در کنترل خود درآورد و توانائی‌های ارتش مصر در برابر گروه‌های تروریستی افزایش یافت. علاوه بر آن، قدرت حوثی‌ها در یمن کاهش یافت، نیروهای کرد در سوریه توانائی بیشتری کسب کردند و خودمدریتی مستقل خود را اعلام کردند، قیام‌های مردمی در عراق و لبنان برپا شد، دولت سودان تغییر کرد و در تونس جنبش مقاومت در برابر اخوان ظهور کرد. جنگ سوریه پایان نیافت و به ویژه رقابت سه دولت دخیل در این جنگ یعنی روسیه و ایران و ترکیه افزایش یافت. جنگ قریباغ به نفع روسیه تمام شد. امضای توافق‌نامه‌های صلح امارات متحده عربی، بحرین و سودان با اسرائیل که در پیمان ابراهیم تجسم یافت، سونامی دیپلماتیک بزرگی بود که نقشه جغرافیای قدرت در خاورمیانه را تغییر داد.

انفجاری مهیب نه تنها لبنان بلکه موج آن اردن و قبرس را هم لرزاند و روزی خونین را برای عروس منطقه رقم زد تا همه جهان پیام تسلیت ارسال کنند. روزهای غمبار لبنان ظاهراً پایانی ندارد چرا که این‌جا خاورمیانه است!

در این میان جمهوری اسلامی ایران در همه این تحولات خاورمیانه عمدتاً بازنده بود. بحران‌های جمهوری اسلامی در داخل کشور و منطقه و سطح بین‌المللی افزایش یافت و یک بار دیگر تروریسم جمهوری اسلامی فعال‌تر شد و حتی برای اولین بار یک دیپلمات این حکومت در بلژیک و دیگری در ترکیه به دلیل نقش مسقیم در ترور مخالفین دستگیر شدند. اسدالله اسدی دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی ایران به ۲۰ سال و سه همدست او که ظاهراً مخالف جمهوری اسلامی و طرفدار سازمان مجاهدین خلق بودند هر کدام به ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ سال محکوم شدند.

گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل نشان می‌دهد که ایران در زمینه فساد اداری و اقتصادی با سه پله سقوط نسبت به سال قبل در رتبه ۱۴۹ در میان ۱۸۰ کشور جهان قرار دارد. کشورهای واقع در خاورمیانه، آفریقا و امریکای لاتین عمدتاً در بخش پائین جدول قرار دارند.

سازمان شفافیت بین‌الملل در گزارش تازه‌اش می‌گوید کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با امتیاز متوسط ۳۹ از ۱۰۰ همچنان با فساد شدید روبرو هستند و پیشرفت اندکی در کنترل این وضعیت داشته‌اند. شفافیت بین‌الملل می‌گوید سابقه سال‌ها فساد در خاورمیانه، باعث «عدم آمادگی تاسف‌بار» عمده کشورهای این منطقه در برابر همه‌گیری ویروس کرونا شده و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در موج اول شیوع بیماری تجهیزات و منابع لازم برای واکنش موثر را در اختیار نداشته‌اند.

بنا بر این گزارش در این مدت اعتماد به بخش دولتی هم با روشن شدن این که «مدیریت بحران مناسبی در کار نیست» افت کرده است.



خلاف انتظار سیاستمداران ایرانی از جو بایدن، با توجه به تاکید او به در پیش گرفتن دیپلماسی در مورد جمهوری اسلامی ایران، ماه گذشته مواضع شبه‌نظامیان ایران، کتائب حزب‌الله و کتائب الشهدا در سوریه، بمباران شد.

دولت بایدن همچنین در تاریخ ۳ مارس، تحریم‌های اضطراری و جامع علیه ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد و رئیس جمهوری امریکا در این رابطه اظهار داشت «اقدامات و سیاست‌های حکومت ایران همچنان تهدیدی بالقوه و فوق‌العاده علیه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده به شمار می‌آیند.»

پس از گزارش تهدیدهای ایران علیه پایگاه نظامی امریکا، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید گفت دولت بایدن هرگونه تهدید از جانب جمهوری اسلامی ایران را در خارج و داخل امریکا کاملاً جدی می‌گیرد و «عبور از این مسیر هزینه سنگینی برای ایران خواهد داشت.»

جیک سالیوان، روز دوشنبه ۲۲ مارس، در مصاحبه با تلویزیون «MSNBC» گفت: «رئیس جمهور بایدن هر گونه تهدید ایران در قبال افراد، پرسنل، تاسیسات و منافع امریکا در منطقه و یا در داخل ایالات متحده را کاملاً جدی تلقی

خواهد کرد. ما گام‌هایی خواهیم برداشت تا اطمینان حاصل کنیم که می‌توانیم از خودمان محافظت کنیم و برای ایران نیز روشن کنیم که در صورت ادامه این مسیر، آن‌ها متحمل هزینه‌های سنگینی خواهند شد.»

روز یکشنبه ۲۱ مارس، «آسوشیتدپرس» گزارش داد که سپاه پاسداران قصد حمله به پایگاه نظامی فورت مک نایر در واشینگتن و کشتن یک ژنرال ارتش امریکائی را دارد.

بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، دو مقام اطلاعاتی آمریکا گفته‌اند که آژانس امنیت ملی ایالات متحده (NSA) در ماه ژانویه تماس فرماندهان سپاه پاسداران در مورد حمله به این پایگاه را، ردیابی کرده است.

به گفته این دو مقام اطلاعاتی، مکالمات شنود شده سپاه پاسداران، نشان از برنامه‌ریزی حمله ای مشابه حمله به «یو.اس.اس. کول» USS Cole در سال ۲۰۰۰، دارد که در آن، یک قایق کوچک پر از مواد منفجره با یو.اس.اس. کول در یمن برخورد کرد که در پی آن ۱۷ ملوان امریکائی کشته شدند. بررسی این شنودها حاکی از آن است که سپاه پاسداران به دنبال انتخاب گزینه‌های نظامی احتمالی برای انتقام قتل قاسم سلیمانی است.

از سوی دیگر دولت ترکیه یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای در جریان تحولات رخ داده در خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. از ابتدای دهه اول ۲۰۰۰ میلادی و با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردو خان، دولت این کشور به تدریج سیاست ورود به مسائل منطقه‌ای را آغاز کرد.

این مقاله تلاش می‌کند با بررسی دیدگاه‌های حاکم بر سیاست خارجی روسیه تحت مدیریت پوتین و با نگاهی اجمالی به تاریخ روابط روسیه با ایران و اسرائیل و ترکیه، تاثیر روابط مسکو- تل آویو بر تهران را بررسی کند. همچنین نگاهی خواهیم داشت به رقابت‌های دولت‌ها در منطقه پرتلاطم خاورمیانه به ویژه روسیه و ایران و ترکیه در جنگ قره‌باغ کوهستانی و جنگ داخلی سوریه.

در طول سه دهه از فروپاشی شوروی، روسیه به عنوان هسته اصلی آن تلاش کرده تا این کشور را بار دیگر تا سطح ابرقدرتی جهانی ارتقا دهد. برای کرملین، پیمودن این مسیر از طریق نفوذهای منطقه‌ای در اولویت است. خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای ژئواستراتژیک، در دهه‌های اخیر بیش از همیشه در نگاه روس‌ها جلب توجه کرده است. غرب آسیا در طول چند دهه اخیر موضوع ثابت و پراهمیتی به نام تنش بین ایران و اسرائیل را شاهد بوده است. در این میان مسکو به دنبال روابط نزدیک با تهران و تل آویو است. این موضوع به ویژه تحت سیاست خارجی مبتنی بر رئالیسم ولادیمیر پوتین بیش‌تر خود را نشان می‌دهد.

تیرگی روابط سال‌های اخیر تهران و واشنگتن به دنبال قتل سلیمانی و ابومهدی المهندس توسط امریکا تشدید شد. علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و دیگر مقامات ایران همواره تاکید کرده‌اند که در جواب قتل سلیمانی از امریکا «انتقام سخت» خواهند گرفت.

از زمان احیای روابط دیپلماتیک اتحاد شوروی و اسرائیل در سال ۱۹۹۱، که پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ قطع شده بود، اسرائیل متحد غیر رسمی مسکو در خاورمیانه بوده است. در حالی که در طول دهه ۱۹۹۰ روسیه به سرعت در حال از دست دادن موقعیت سیاسی و اقتصادی خود در منطقه بود، روابط با اسرائیل قوی‌تر هم می‌شد.

یک فاکت مهم تماس ولادیمیر پوتین با نخست وزیر اسرائیل در ۱۰ فوریه ۲۰۱۸ است که به روند تشدید اوضاع میان اسرائیل و سوریه پایان داد.

در مثلث ایران- روسیه - اسرائیل، مسکو قصد دارد توازن قوا را حفظ کند. بنابراین، سرگی لاوروف سال گذشته اظهار داشت که نیروهای ایرانی به طور قانونی و به دعوت دولت سوریه در این کشور حضور دارند، و در جولای ۲۰۱۸ افزود که این انتظار غیرواقع‌گرایانه‌ای است که ایران از این کشور خارج شود. در عین حال، وزیر امور خارجه روسیه از تهران نیز برای اظهارات در مورد ضرورت نابودی اسرائیل انتقاد کرد. روسیه همچنین در مورد بلندی‌های جولان از موضع متوازنی حمایت می‌کند: همه بیانی‌ها و اسناد رسمی، از جمله اعلامیه نهائی کنگره سوریه در سوچی و همچنین اسناد وزارت دفاع روسیه، این منطقه را به عنوان بخشی از سوریه می‌دانند. با وجود این، جنگنده‌های روسی از نقض حریم هوایی بلندی‌های جولان اجتناب می‌کنند، که به صورت دوافکتو به منزله اذعان حاکمیت اسرائیل بر این مناطق است.

به دلیل تشدید اوضاع در جنوب سوریه، رسانه‌های اسرائیلی اواخر می ۲۰۱۸ گزارش دادند که روسیه و اسرائیل برای توافق دوجانبه در رابطه با ایران به توافق رسیدند. مطابق موافقت‌نامه‌ها، اسرائیل به بازگشت مناطق ناحیه جنوبی کاهش تنش هم‌مرز با بلندی‌های جولان و اردن، تحت کنترل بخشی از ارتش سوریه رضایت داد. روسیه، به نوبه خود متعهد شده است که عدم وجود نیروهای شیعی طرفدار جمهوری اسلامی ایران را در مرز اسرائیل و همچنین خروج تمام نیروهای خارجی از کشور را تضمین نماید. در حال حاضر هنوز مشخص نیست که توافق‌نامه‌ها به این صورت تا چه حد به اجرا گذاشته می‌شوند، اما در پایان جولای ۲۰۱۸، الکساندر لاورنتتسوف، نماینده ویژه رئیس جمهور روسیه در حل و فصل اوضاع سوریه، اعلام کرد که یگان‌های شیعی، تجهیزات سنگین و تسلیحات از فاصله ۸۵ کیلومتری اسرائیل خارج شده‌اند. (وی در عین حال، تأیید کرد که مشاوران ایرانی در این شعاع ممکن است در ارتش سوریه حضور داشته باشند) به هر حال، کاملاً مشخص نیست که موضع مسکو در مورد خروج تمام تشکیلات خارجی از سوریه چیست، چرا که اظهارات مقامات روسیه اغلب راحل‌های کاملاً ضد و نقیضی را مطرح می‌کنند. به طور مثال، در نوامبر ۲۰۱۷، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرده بود که ایران به دعوت دولت سوریه به طور قانونی در سوریه حضور دارد و مسکو قول نداده که خروج تشکیلات طرفدار ایرانی از این کشور را تضمین نماید. با وجود این، الکساندر لاورنتتسوف، نماینده ویژه رئیس جمهور روسیه در امور سوریه، اوایل می ۲۰۱۸، اعلام کرد که تمام نیروهای خارجی از جمله حزب‌الله و نیروهای ایران باید از سوریه خارج شوند.

اخیراً یک محقق علوم سیاسی از حومه حلب، گفته است: روابط روسیه و ایران در سوریه بر اساس رقابت است نه درگیری و این رقابت بر روی جذب نیروها متمرکز است. زیرا دو طرف دارای مناطق مشترک نفوذ هستند. اعتماد آنلاین چاپ ایران شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۹ بلال ستوف، یک محقق علوم سیاسی از حومه حلب، به المانی‌تور گفت، روابط روسیه و ایران در سوریه بر اساس رقابت است نه درگیری و این رقابت بر روی جذب نیروها متمرکز است زیرا دو طرف دارای مناطق مشترک نفوذ هستند. هر دو طرف از چندین ابزار برای مدیریت این رقابت استفاده می‌کنند و روسیه ممکن است از حملات اسرائیل به شبه‌نظامیان ایرانی در شرق سوریه برای جلب شبه‌نظامیان به سوی خودش سوءاستفاده کند. مسکو در حقیقت بدون این‌که نشان دهد متمایل به حذف کامل نفوذ ایران از شرق سوریه است از حملات هوایی استفاده می‌کند.

المانی‌تور نوشت: نیروهای جمهوری اسلامی ایران و شبه‌نظامیان نزدیک به آن در استان دیرالزور در شرق سوریه اخیراً عملیات انتقال مجدد و جابه‌جایی جدیدی را انجام داده‌اند تا در صورت ادامه حملات هوایی اسرائیل علیه پایگاه‌هایشان در منطقه، تلفات خود را محدود کنند. اقدام آن‌ها شامل انتقال به سایت‌ها و مقرهای جدید نظامی، پنهان

کردن اسلحه و برداشتن پرچم از پشت بام سایت‌های نظامی و پادگان‌ها و همچنین اعتماد بیشتر به اعضای محلی برای محافظت از اماکن نظامی می‌شد. برخی از تشکیلات مسلح نیز تا حدی از پایگاه‌های خود خارج شدند، این در حالی است که همزمان خانواده‌های اعضا به مناطق دیگر منتقل شدند.

در ادامه این مطلب آمده است: بزرگترین چالشی که اکنون نیروهای ایرانی با آن روبه‌رو هستند، حفظ انسجام در دیرالزور و حومه آن است، زیرا بمباران‌های شدید اسرائیل، مشکل آفرین شده است.

به نظر می‌رسد آنچه موجب بیشترین نگرانی نیروهای ایرانی در دیرالزور است، افزایش روزافزون خروج نیروها از پایگاه‌های نیروهای نزدیک به ایران به سمت نیروهای مسلح مورد حمایت روسیه در منطقه است، به ویژه سپاه پنجم که رسماً تأسیس خود را در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶ اعلام کرد.

فیراس علاوی، روزنامه‌نگار و مدیر مسؤول شبکه خبری الشرق، که اخبار دیرالزور و شرق سوریه را رصد می‌کند، به المانی‌تور گفت: پس از حملات هوایی ۱۳ ژانویه ده‌ها نفر از اعضای تشکیلات نزدیک به جمهوری اسلامی ایران از استان دیرالزور به سپاه پنجم پیوستند.

در این میان به نظر می‌رسد روسیه از ضعف مفرطی که نیروهای ایرانی در دیرالزور تجربه می‌کنند، بهره‌مند خواهد شد. این‌طور به نظر می‌آید که سپاه پنجم مورد حمایت روسیه تبدیل به مامن اصلی این جمعیت گریزان شده است. این ممکن است فرصتی برای گسترش نفوذ روسیه با هزینه نیروهای ایرانی در استان استراتژیک دیرالزور باشد.

این استان به دلیل نزدیکی به مرز با عراق و ثروت عظیم زیرزمینی از جمله نفت برای روسیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

احتمالاً روسیه قبلاً اقدامات خود را برای گسترش نفوذ اش در دیرالزور در اواخر سال ۲۰۲۰، یعنی قبل از حملات هوایی ۱۳ ژانویه علیه مواضع ایران در این استان آغاز کرده بود.

علاوی خاطرنشان کرد، حملات هوایی بیش‌تر علیه نیروهای ایرانی در دیرالزور ممکن است آن‌ها را تضعیف کرده باشد. برای همین اعضای ناراضی به سپاه پنجم می‌روند.

محمد ادیب، محقق علوم سیاسی، که در حومه حلب زندگی می‌کند، به المانی‌تور گفت، رقابت ایران و روسیه در دیرالزور دائماً در حال افزایش است و طبیعی است که روسیه از ضعف ایران استفاده کند. نیروهای وابسته به ایران پس از هدف قرار گرفتن مستقیم در منطقه پراکنده می‌شوند. روسیه همچنین از نگرانی نیروهای شبه‌نظامیان و خانواده‌هایشان بهره گرفته است.

بلال ستوف، یک محقق علوم سیاسی از حومه حلب، به المانی‌تور گفت، روابط روسیه و ایران در سوریه بر اساس رقابت است نه درگیری و این رقابت بر روی جذب نیروها متمرکز است زیرا دو طرف دارای مناطق مشترک نفوذ هستند. هر دو طرف از چندین ابزار برای مدیریت این رقابت استفاده می‌کنند و روسیه ممکن است از حملات اسرائیل به شبه‌نظامیان ایرانی در شرق سوریه برای جلب شبه‌نظامیان به سوی خودش سوءاستفاده کند. مسکو در حقیقت بدون این‌که نشان دهد تمایل به حذف کامل نفوذ جمهوری اسلامی ایران از شرق سوریه است از حملات هوایی استفاده می‌کند. روسیه در واقع در تلاش است تا حضور ایران را حفظ کند، اما فقط به شکلی که منافع و سیاست‌های مسکو را تامین کند. بنابراین من معتقدم که این دو قطبی شدن روسیه و ایران در شرق سوریه به معنای درگیری بین دو طرف نخواهد بود.

وبادا التامر، معاون دانشکده علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی شام در حومه حلب نیز به المانی‌تور گفت، روسیه ممکن است به خاطر منافع خود یا برای دلایل مربوط به سیاست‌های دولت جدید امریکا به دنبال رقابت با جمهوری اسلامی

ایران در برخی حوزه‌ها باشد. در سال ۲۰۱۶، امریکا به روسیه چراغ سبز در سوریه نشان داد تا مناطق نفوذش را گسترش دهد. به دنبال این جلسه مجموعه‌ای از رویدادها با هدف ایجاد تعادل در نقش روسیه در سوریه دنبال شد. اگر دولت جو بایدن همین دیدگاه را بپذیرد، روسیه ممکن است تلاش کند تا نقش جمهوری اسلامی ایران در سوریه را محدود کند. با این حال، جمهوری اسلامی ایران ممکن است سعی کند از روند مذاکره در مورد مسأله هسته‌ای برای دستیابی به موفقیت در سوریه به ویژه در مرکز و شرق این کشور، بهره ببرد.

روسیه و ایران از ابتدای وقوع جنگ در سوریه تاکنون - با وجود اختلاف دیدگاه و گاه اختلاف منافع - همکاری نزدیکی به ویژه در صحنه عملیاتی نبرد سوریه داشته‌اند. با این حال، از دو سال گذشته تاکنون، همواره خبرها و تحلیل‌های بسیاری پیرامون اختلاف میان ایران و روسیه در سوریه منتشر شده است.

انتقاد حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران درباره غیرفعال کردن سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ - مستقر در سوریه توسط روسیه در زمان حملات اسرائیل نیز مورد توجه قرار گرفته است.

واقعیت مسلمی که وجود دارد، این است که ایران و روسیه با وجود همه همکاری‌های امنیتی در سوریه، اختلاف منافعی نیز با یکدیگر دارند، به ویژه وقتی پای اسرائیل به میان کشیده شود. با این حال، آن‌ها توانسته‌اند تاکنون با مدیریت اختلافات به همکاری‌ها ادامه دهند.

اما پذیرش بی‌طرفانه روسیه در مورد حملات هوایی اسرائیل در سوریه و همگرایی بیرونی با آن نشان‌دهنده رقابت رو به رشد بین روسیه و ایران در سوریه است، به نحوی که بر قدرت اسد و مسأله نظم سیاسی و اقتصادی آینده سوریه فشار می‌آورد. مسکو و تهران تحت این سناریو برای رقابت بر نفوذ اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرند. در عین حال، این دو دولت همچنان به لحاظ نظامی در سوریه وابسته به یکدیگر هستند. مداخله نظامی روسیه تا حد زیادی به نیروی هوایی و مشارکت محدودی از نیروهای زمینی آن محدود می‌شود، بنابراین در حال حاضر هرگونه تثبیت حکومت اسد نیاز به کمک نیروهای طرفدار ایرانی در سوریه دارد. مسکو علاقه‌ای فوری به تسریع روند رو به انزوای ایران در سوریه نداشته و هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد. با این حال روسیه به نظر می‌رسد مایل است نفوذ کامل خود بر تهران و حزب‌الله را حفظ و یک منطقه حائل در جنوب سوریه ایجاد کند. در همین راستا، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در ژوئیه ۲۰۱۸ اعلام کرد که تنها ارتش سوریه باید در مناطق مجاور اسرائیل و اردن فعالیت کند. مشخص نیست که آیا مسکو می‌تواند امنیت چنین منطقه حائلی را تضمین کند یا نه؛ اگرچه اسرائیل این پیشنهاد را نامناسب دانست و آن را رد کرد. لازم به ذکر است که روسیه علاقه اسرائیل به خروج کامل تهران از سوریه را نپذیرفته است که این امر نفوذ ایران در خاورمیانه را به طور کلی تضعیف نمی‌کند. بازگشت مسکو به منطقه بر اساس توانایی آن در حفظ روابط خوب با تمام احزاب، به ویژه آن‌هایی که با یکدیگر خصومت دارند، پیش‌بینی می‌شود. به هر حال اعتقاد بسیاری از کشورهای خاورمیانه این است که به طور بالقوه روسیه مهمترین قدرت منطقه است.

لئونید فرولوف، معاون سفیر روسیه در تل آویو بیان داشت در صورتی که ایران به اسرائیل حمله کند، روسیه از اسرائیل حمایت خواهد کرد. دیپلمات روس این اظهارات را چند روز پس از قضیه مربوط به پهپاد در مرز سوریه - اسرائیل بیان کرد. او گفت: «در صورت حمله به اسرائیل، نه فقط امریکا از اسرائیل طرفداری خواهد کرد، بلکه روسیه نیز از اسرائیل حمایت خواهد کرد. بسیاری از هموطنان ما در اسرائیل زندگی می‌کنند و اسرائیل به طور کلی یک کشور خوب و دوستانه است. از این رو ما اجازه هیچ‌گونه عملیات خصومت آمیز علیه اسرائیل را نخواهیم داد.»

همچنین سرگئی لاوروف، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی یورونیوز گفت: «روسیه و اسرائیل درخصوص کارکرد مناطق جنوبی کاهش تنش در سوریه به درک متقابل دست یافتند. حضور شبه نظامیان در آنجا به ثبات محکم در بلندپایه‌های جولان منتهی نخواهد شد، که این امر برای اسرائیل فوق‌العاده مهم است». به ویژه هنگام سفر نتانیاو، نخست وزیر اسرائیل به مسکو در این خصوص گفت‌وگو شد. نتانیاو بارها گفته که بیانیه محو کردن اسرائیل به عنوان دولت صهیونیستی از صفحه روزگار غیر قابل پذیرش است. (منبع: 2018, www.timesofisrael.com, 7-)

سایت فارسی العربیه ۱۴ مارچ ۲۰۲۱ خبر داد که روسیه ایران را از میداین نفت و گاز سوریه اخراج کرد. منابع مطلع مخالفان سوری روز یکشنبه ۱۴ مارس ۲۰۲۱ اعلام کردند، مسکو در راستای سیاست مهار ایران و کاهش نقش نظامی و اقتصادی تهران در سوریه، نیروهای شبه‌نظامی ایران را از تمام مناطق سوریه که حاوی میداین نفت و گاز است، اخراج کرد.

در چارچوب رقابت بین دو طرف، نیروهای روسی، شبه‌نظامیان ایرانی را از دو میدان نفتی و گازی در حومه الرقه، شمال شرقی سوریه اخراج کردند.

به گزارش روزنامه فرمانطقه‌ای شرق الاوسط، نیروهای «لشکرپنجم» روسیه روز شنبه ۱۳ مارس، پس از چند ساعت عملیات آرام، شبه‌نظامیان «فاطمیون» وابسته به سپاه پاسداران ایران را از مناطق حاوی میداین نفت و گاز «الثوره» در جنوب غربی الرقه اخراج کردند و تمام این مناطق را تحت کنترل کامل خود درآوردند.

روز جمعه نیز ارتش روسیه، میدان گازی «توینان» در منطقه الطبقة واقع در حومه شهر الرقه را به کنترل خود درآورد. گفتنی است که در میدان نفتی «الثوره» روزانه حدود ۲۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌شود و این میدان نفتی پیش از قیام مردم سوریه در سال ۲۰۱۱ روزانه ۶ هزار بشکه تولید داشته است.

میدان نفتی «توینان» که پیش‌تر تحت کنترل ایران و با نظارت شرکت «هسکو» بود، روزانه حدود ۳ میلیون متر مکعب گاز پاک ۶۰ تن گاز خانگی و دو هزار بشکه میعانات دیگر سوخت تولید می‌کرد.

مناطق شرقی بادیه سوریه به ویژه در استان‌های دیرالزور و حسکه در مرزهای عراق و ترکیه، از مهم‌ترین میداین‌های نفت و گاز سوریه محسوب می‌شوند.

بیش‌تر این مناطق از جمله میدان «رومیلان» در الحسکه و میداین‌های «العمر» و «التک» در حومه استان دیرالزور تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک است.

سال گذشته، مقامات حکومت سوریه به «حسام القاطرچی»، یکی از «مافیاهای» قاچاق و دور زدن تحریم‌ها که به حکومت اسد وابسته است، اجازه دادند قراردادهای جدیدی در زمینه تولید نفت، سرمایه‌گذاری گاز، و توسعه شبکه‌های حمل و نقل استراتژیک از غرب عراق به غرب سوریه و در دریای مدیترانه منعقد کنند. این قراردادها شامل معاقت‌ها و امتیازات ویژه برای شرکت‌های روسی و ایرانی بوده است.

پس از نزدیک یک سال نیروهای روسی که در سوریه مستقر هستند، سرمایه‌گذاری میداین‌های نفتی «التیم» و «الورد» در استان دیرالزور را به «آروادا» سپردند.

شرکت آروادا مالک پالایشگاه‌های الرصافه برای تصفیه روغن سنگین و پالایش نفت الساحل است. این شرکت پس از جلسه‌ای که در فرودگاه نظامی دیرالزور بین افسران روسی و حسام قاطرچی تاجر و قاچاقچی سوری برگزار شد، قراردادی ۵ ساله با روس‌ها منعقد کرد.

روسیه تنها دو میدان نفتی «الحسیان» و «الحمار» در منطقه البوکمال را در اختیار ایران قرار داده است.

چند روز پیش و پس از اعلام طرح صلح عربستان در یمن، برای خاتمه بخشیدن به جنگ چند ساله در این منطقه، پاسدار حسن ایرلو، فرمانده سپاه قدس و سفیر جمهوری اسلامی ایران در یمن در توثیتی نوشت که طرح سعودی درباره یمن طرح جنگ دائمی و ادامه اشغالگری است، نه پایان جنگ.

همزمان پس از ارائه طرح صلح توسط عربستان، شبه‌نظامیان حوثی یمن نیز به دستور جمهوری اسلامی ایران به فرودگاه بین‌المللی آن‌ها در این کشور حمله کردند.

همچنین یحیی سریع، سخنگوی شبه‌نظامیان حوثی یمن، وابسته به جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرده است: با پهباد نوع «قاصف-۲» به فرودگاه بین‌المللی آن‌ها در جنوب عربستان سعودی حمله کرده است.

جنگ داخلی یمن حدود شش سال است ادامه دارد و این سرزمین را تخریب کرده و مردم آن را به نابودی و نیستی کشانده است.

عربستان سعودی برای پایان بخشیدن به این جنگ ویرانگر به حوثی‌ها پیشنهاد صلح کرد. طرح صلح عربستان از جمله موضوع برقراری آتش‌بس را شامل می‌شود؛ طرحی که با استقبال حوثی‌ها روبه‌رو نشد. حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در مورد این طرح گفتند که «هیچ چیز جدیدی ندارد».

حوثی‌ها به تبعیت از جمهوری اسلامی ایران تهدید کرده‌اند که به جنگ ادامه خواهند داد. جنگ داخلی بیش از سه و نیم میلیون نفر را در خاک یمن آواره و بی‌خانمان کرده است. حدود دو میلیون کودک از سوء تغذیه حاد در رنج‌اند. ۲۴ میلیون انسان در یمن نیازمند کمک‌های بشردوستانه‌اند.

جمهوری اسلامی ایران راحلی می‌خواهد که در آن این امکان وجود داشته باشد که حوثی‌ها بر سراسر یمن مسلط شوند و آن سرزمین به پایگاه عملیاتی جمهوری اسلامی ایران مبدل گردد تا بتواند به آرزوی حکومت اسلامی برای برانداختن حکومت آل سعود مبدل شود.

در حالی که بیش‌تر از نیمی از جمعیت ایران در فقر شدید زندگی می‌کنند و بیش از ۸۰ درصد آن‌ها زیر خط فقر قرار دارند، سخنان حسن نصرالله، رهبر شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان مبنی بر این‌که بودجه این سازمان و تمام هزینه‌های آن از جمله حقوق جنگجویان، پول خرید مواد غذایی، اسلحه و موشک‌های آن‌ها از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران تامین می‌شود، می‌تواند برای مردم ایران خطرناک باشد، به ویژه این‌که رهبر حزب‌الله این سخنان را در سال ۲۰۱۸، با افتخار بسیار بیان کرد.

مطالعات و گزارش‌های بسیاری که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که بودجه حزب‌الله لبنان که همه ساله از ایران تامین می‌شود بین ۷۵۰ میلیون تا یک میلیارد دلار است، بدین معنی که در مدت دست‌کم ۱۵ سال گذشته، دولت ایران حدود ۱۵ میلیارد دلار به حزب‌الله داده است، این در حالی است که وضعیت معیشتی ایرانیان در مدت یادشده به شدت رو به وخامت بوده است. دولت ایران همواره سعی می‌کند نابه‌سامانی‌های روزافزون اقتصادی را ناشی از «محاصره بین‌المللی» و «تحریم‌ها» قلمداد کند، در حالی‌که واقعیت اوضاع، خلاف ادعاهای بی‌اساس سران جمهوری اسلامی ایران است.

در واقع، حزب‌الله چرخه اقتصادی را در لبنان ایجاد کرده است که در سوریه با حکومت بشار اسد، در عراق با شبه‌نظامیان «حشد شعبی» و از طریق کریدور زمینی که سواحل دریای مدیترانه را با ایران وصل می‌کند، با تهران در ارتباط است و پولی که در این بازار گردش می‌کند حدود ۱۷ میلیارد دلار برآورد شده است.

روابطه ایران و ترکیه نیز به شدت تیره شده است. اخیراً اندیشکده «New lines» نوشت: ترکیه و ایران مسلماً یکی از بزرگترین رقابت‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه را آغاز کرده‌اند. با گذشت یک ماه از روی کار آمدن دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، نشانه‌های واضح‌تری از افزایش اختلاف و رقابت بین آنکارا و تهران بروز کرده است.

جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند به افزایش نفوذ منطقه‌ای خودش است و همزمان ترکیه در حال به چالش کشیدن آن در عرصه‌های مختلف از جمله سوریه، عراق و قفقاز جنوبی است. آنکارا علاقه‌مند به تسهیل کردن بازگشت تهران به توافق هسته‌ای از طریق مذاکره مجدد است چرا که در آن صورت می‌تواند از تجارت مرزی سودآور بهره‌مند شود. چنین دستاوردهای بالقوه‌ای احتمالاً یک نگرانی ثانویه در پشت اهداف گسترده استراتژیک مانند مهار گسترده نفوذ گسترده ایران در سوریه و عراق و براندازی آرمان‌های کردها به حساب می‌آید.

در حال حاضر هر دو کشور برای تسلط ایدئولوژیک و منطقه‌ای در تلاش هستند. جمهوری اسلامی ایران از دو جبهه اقتصادی فرصت‌های چشمگیری را برای آنکارا فراهم می‌کند. نخست، ترکیه به عنوان یک واردکننده خالص انرژی، خواستار تامین ثابت و متنوع نفت و گاز طبیعی برای مصرف داخلی است. شبکه خط لوله موجود ایران با ترکیه راهی دیگر برای کاهش وابستگی این کشور به منابع روسی است. دوم، برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA)، معروف به توافق هسته‌ای ایران، که در ژوئیه ۲۰۱۵ امضاء شد برای ترکیه حائز اهمیت است چرا که این کشور دارای پتانسیل بالایی برای انجام تجارت مرزی با ایران است. نباید از یاد برد که رفع تحریم‌های اقتصادی پس از تصویب برجام، آغاز گفت‌وگوهای تجاری و اقتصادی بین دو دولت را تسهیل کرد.

بازار نسبتاً بزرگ ایران در مقایسه با اقتصاد کاملاً طبقه‌ای و یکپارچه جهانی ترکیه مملو از فرصت‌های سودآور صادراتی برای آنکارا در مجموعه‌ای از بخش‌ها، از جمله خودرو، ساخت و ساز، خدمات مالی و فروش لوازم خانگی است. خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸ ترکیه را متضرر کرد و باعث پایان ناگهانی تعداد زیادی از فرصت‌های تجاری شد. براساس آمارها حجم تجارت ایران و ترکیه افتی ۵۰ درصدی بین ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ داشت.

در زمان دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا، رجب طیب اردوخان، رئیس‌جمهور ترکیه چند دلیل عمده برای تعمیق همکاری‌ها با ایران یافته بود. مهم‌ترین فرضیه این بود که آمریکا به همراه تعدادی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و عرب علاقه‌مند به ایجاد و تداوم اتحاد علیه جمهوری اسلامی ایران و علیه دولت ترکیه بودند. محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ توسط شورای همکاری خلیج فارس این دیدگاه را قوت بخشید و همکاری ترکیه، ایران و قطر را تسهیل کرد.

علاوه بر این، ترکیه و ایران به طور محدود در مورد جنگ داخلی سوریه و شمال عراق عمدتاً با هدف مشترک علیه پ.ک.ک و پژاک همکاری کردند. این احزاب منافع امنیتی داخلی و منطقه‌ای ترکیه و ایران را تهدید می‌کنند. با وجود داشتن نقاط اشتراک بین ایران و ترکیه، اما انتظار می‌رود که طی ماه‌های آینده موارد اختلاف بین دو طرف افزایش یابد. منافع تجاری احتمالاً سوءظن و رقابت زمینه‌ای را که روابط ترکیه و ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از بین نمی‌برد. اکنون که دولت جدید آمریکا مجموعه‌ای جدید از اولویت‌ها، ترجیحات سیاسی و سطوح لازم تعامل را مطرح کرده است، اختلافات بین کشورها احتمالاً آشکارتر خواهد شد. دولت بایدن سیگنال‌های اولیه را مبنی بر توقف سیاست‌های دولت قبلی در قبال ایران را در درجه اول با هدف بازگرداندن این کشور به توافق هسته‌ای مجدداً فرستاده است. از سوی دیگر، ترکیه تصمیم گرفته است با تلاش بیشتر برای افزایش ردپای منطقه‌ای و مهار نفوذ ایران، آرزوهای منطقه‌ای خود را با تعامل نزدیک‌تر با روسیه دنبال کند.

پس از اقدامات نظامی مداخله‌جویانه دولت ترکیه در مناقشه قره‌باغ، پشتیبانی از جناح‌های لیبایی مستقر در طرابلس، عملیات نظامی در سوریه و مواضع خصمانه در مدیترانه شرقی، مسکو و تهران هر دو متوجه شده‌اند که آنکارا شمشیر را در نقاط مختلف از رو بسته است. حمایت ترکیه از آذربایجان و حضور نظامی در عراق و سوریه نگرانی‌های بیشتری را برای سران جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است، زیرا این اقدامات به عنوان مداخلات مستقیم در حوزه نفوذ و یا منافع ایران تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، ترکیه برای خودش جایگاهی در آینده ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی ایجاد کرده است، اما این کار را بدون رضایت ایران انجام داده است. علاوه بر این، پس از تمایل به سرنگونی حکومت اسد، آنکارا بیشتر در اطمینان از فرسایش قدرت کردها در سوریه و همچنین کاهش نفوذ شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران متمرکز خواهد شد.

برای محدود کردن بیشتر نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ترکیه در تلاش است تا روابط مثبت با لبنان، عربستان سعودی و حتی تا حدودی اسرائیل را از سر بگیرد. به همین دلیل جلسه اخیر وزیران خارجه جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در اواخر ژانویه ۲۰۲۱ سرشار از بدبینی بود. با وجود سخنان مثبت که نویدبخش آینده‌ای بهتر در روابط دو جانبه است، مقامات جمهوری اسلامی ایران همچنان به اهداف اردوخان برای تضعیف خودشان مشکوک هستند.

اردوخان در یک سخنرانی در باکو به مناسبت پیروزی آذربایجان در قره‌باغ، شعری را خواند که به شدت مورد اعتراض جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت چرا که مقامات جمهوری اسلامی ایران مدعی اند اردوخان با خواندن این شهر، نشان داد ترکیه نسبت به تجزیه استان با اکثریت آذری ایران با باکو همدل است.

پس از این ماجرا طرفین سفرای همدیگر احضار کردند و هشدار دادند. متعاقب این وقایع پولیس ترکیه یک شبکه ترور و آدمربائی جمهوری اسلامی و همچنین یک دیپلمات جمهوری اسلامی را به دلیل شرکت در ترور و ربایش مخالفین در استانبول، دستگیر و زندانی کرده است.

بعد از ۴۴ روز جنگ در منطقه قره‌باغ، نهایتاً با طرح «آتش‌بس روسی» بحران خاتمه یافت و الهام علی‌اف رئیس جمهور آذربایجان با شوی تبلیغاتی خود را برنده این جنگ معرفی کرد و بار دیگر اذهان مردم را از حقیقت ماجرا دور نمود و با این دستاورد ظاهری و بازپسگیری چند روستا یا شهر، مشروعیت حکومت استبدادی خود را برای سال‌ها تضمین نمود.

اگر تاکنون منطقه قره‌باغ به عنوان منطقه اشغالی و مورد مناقشه تعریف می‌شد و امید می‌رفت روزی به صاحبان اصلی آن برگردد؛ با این تفاهم نامه هر چند برخی از مناطق اشغال شده به دولت آذربایجان برگشت اما با به رسمیت شناخته شدن برخی مناطق دیگر به عنوان «منطقه تحت حاکمیت رهبران خودخوانده قره‌باغ»، دیگر کاربست مفهوم «مورد مناقشه» معنایی نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، با قرارداد اخیر، این آذربایجان است که باخت، نه ارمنستان! به تعبیر دیگر، این قرارداد بازگشت به «اصول مبنائی» گروه مینسک است؛ این در حالی است که اصول مبنائی، در شرایطی تماماً متفاوت، یعنی هنگامی که آذربایجان در ضعیف بود، بر او تحمیل گشته بود: در حاکمیت آذربایجان جنگ داخلی جریان داشت؛ آذربایجان دارای ارتش نبود؛ نیروهای ارمنی دارای برتری مطلق و برخوردار از حمایت فعال نظامی روسیه بودند؛ اراضی آذربایجان تحت اشغال بود؛ ریاست گروه مینسک بر عهده‌ی سه متفق و حامی اشغال‌گری ارمنستان، یعنی روسیه، فرانسه و امریکا بود و...

اما امروز وضعیت برعکس بود؛ در حاکمیت آذربایجان جنگ داخلی وجود ندارد (در حالی که در ارمنستان وجود دارد)؛ آذربایجان دارای ارتشی مدرن و نیرومند است که دارای برتری در میدان نبرد بوده اراضی اشغالی را به

سرعت آزاد می‌سازد؛ روسیه در جنگ حضور فعال ندارد؛ گروه مینسک عملاً منحل شده است؛ ترکیه با صراحت و با تمام قوا از آذربایجان حمایت سیاسی- نظامی می‌کند؛ ملت آذربایجان برای آزادسازی مناطق اشغالی اعلام آمادگی کردند، ایران به ویژه مقام معظم رهبری از آزادسازی تمام مناطق اشغال شده حمایت کرد و....

نکته مهم دیگر این‌که، در ماده‌های تفاهم نامه جدید، تز آذربایجان مبنی بر آن‌که «دیگر خط تماس وجود ندارد»، از اساس از طرف پوتین رد شد. بر عکس، یک خط تماس جدید به دور قرمباغ و دهلیز لاجین که ارتش روسیه از آن‌ها دفاع می‌کند ایجاد و بدین وسیله نیز «خودمختاری سیاسی» قرمباغ تثبیت، حتی راه الحاق آن در آینده به ارمنستان باز شده است.

ماده مربوط به ایجاد سهولت در عبور و مرور به نخجوان که معادل کریدور لاجین نشان داده می‌شود، به واقع به قرمباغ موقعیت مشابه موقعیت نخجوان که بخشی از آذربایجان است می‌دهد و به طور ضمنی بخشی از ارمنستان بودن قرمباغ را بیان می‌کند. بدین ترتیب آذربایجان علاوه بر قرمباغ، در خارج آن دهلیز لاجین را هم از دست می‌دهد. علاوه بر آن هیچ شباهتی بین راه وعده داده شده در اراضی ارمنستان به نخجوان و کریدور لاجین وجود ندارد. موقعیت این دو نیز متفاوت است. اولاً راه به نخجوان در درون خاک ارمنستان و تحت کنترل دولت و ارتش ارمنستان عبور خواهد کرد. در حالی‌که کریدور لاجین از کنترل و نظارت آذربایجان خارج و تحت کنترل و نظارت روسیه- ارمنستان در می‌آید. دوماً راه نخجوان یک وعده‌ی رها شده تماماً به انصاف ارمنستان است و هیچ‌گونه ضمانت و مکانیزی برای تحقق آن پیش‌بینی نشده است.

در حالی‌که کریدور لاجین از همان ساعت ۰۰:۰۰ به وقت مسکو در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ ایجاد شد و ایجاد آن را دولت آذربایجان با امضای قرارداد رسماً قبول و تعهد کرده است. سوماً طبق تصریح قرارداد، راه نخجوان صرفاً برای رفت‌وآمد انسانی خواهد بود. در حالی‌که برای کریدور لاجین چنین محدودیتی ذکر نشده است. این کریدور بی‌شک برای حمل سلاح و مهمات از ارمنستان به قرمباغ به کار خواهد رفت...

نکته دیگر این‌که در تفاهم‌نامه جدید سخن از «نیروهای نگهبان صلح» مطرح است؛ نیروهائی که تحت نظارت روسیه و ترکیه در زمینه تاسیس مکانیزم نظارت بر قرارداد اخیر به توافق رسیده‌اند و قرار است نیروهای روس و ترک به عنوان نیروهای تضمین‌کننده این توافق در قرمباغ مستقر شوند. به نظر می‌رسد روسیه برای حقانیت بخشیدن به حضور خود در منطقه قرمباغ، ناچاراً حضور ترکیه را به صورت موقت پذیرفته است!

خلاصه کلام با این قرارداد، حق حاکمیت ملی آذربایجان بر اراضی خود، تحت نام نیروی صلح روسیه خدشه‌دار شد. پس از سی سال، ارتش روسیه این بار از طریق قرمباغ- کوریدور لاجین دوباره به خاک آذربایجان وارد شد. با این قرارداد، نه ارمنستان، بلکه آذربایجان کاپیتولاسیون خود را پذیرفت. با این اوصاف، آیا برنده اصلی جنگ اخیر قرمباغ، روسیه نیست؟! نکته تاسف‌بارتر این‌که، روسیه در این قرارداد اصلاً به جمهوری اسلامی ایران توجهی نشان نداد و سران جمهوری اسلامی ایران را در مذاکرات جای نداد!

در چنین روندی شمال عراق مکان احتمالی برای حمایت از درگیری احتمالی است که می‌تواند بین ترکیه و ایران آغاز شود. یک عملیات نظامی ناچیز برای نجات ۱۳ گروگان ترک از دست پ.ک.ک در سنجار در فوریه ۲۰۲۱ منجر به کشته شدن آن‌ها شد و عصبانیت اردوخان و در نتیجه خشم ترک‌ها را برانگیخت. ترکیه به تلافی مرگ سربازان خود دست به مداخله نظامی زد، با این حال هنوز مشخص نیست مواضع دولت مرکزی عراق و دولت اقلیم کردستان (KRG) چیست؟ آن‌چه مشخص است، مخالفت همه شبه‌نظامیان هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، که تهدید به پاسخ شدید نظامی به هرگونه اقدام ترکیه کرده‌اند. ترکیه نه تنها علاقه‌مند به نابودی پ.ک.ک در عراق و

جلوگیری از برقراری ارتباط با حکومت اقلیم کردستان است بلکه همزمان بر قطع دسترسی شبه‌نظامیان ایران به سوریه، کاهش نفوذ آن‌ها در عراق و ایجاد یک دالان امنیتی محکم‌تر در امتداد مرزهای عراق و سوریه تاکید می‌کند.

رویکرد امریکا در همکاری با ترکیه در خاورمیانه کاملاً بده بستانی است و واشنگتن باید طوری سیاست‌های خود را تنظیم کند که رضایت ترکیه را جلب کند. روحیه جدید همکاری بین واشنگتن و آنکارا می‌تواند به متحدان ناتو اجازه دهد که با هم کار کنند و سیاست‌های خاصی را برای کاهش نفوذ موجود جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه تعیین کنند.

دستیابی به همه این اهداف بدون حل مشکلات بین امریکا و ترکیه در اختلافات دو جانبه موجود دشوار است. بدون انصراف از خرید اس - ۴۰۰ های روسی از سوی ترکیه برای جلب رضایت متحدان امریکا و ناتو، واشنگتن تمایلی به همکاری با آنکارا در سطوح بالا ندارد. احتمالاً این مسأله یک خطر قرمز جدی برای دولت بایدن باشد. پس از انصراف از خرید اس - ۴۰۰ ها، دولت امریکا با راحتی بیش‌تری مذاکره و بحث در مورد سایر زمینه‌های اختلاف، از جمله همکاری در مورد سوریه را انجام می‌دهد.

شاید ضرورت اصلی برای دولت بایدن این باشد که با یک سؤال اساسی درگیر بحث با ترکیه شود و آن این‌که چگونه امریکا و ترکیه می‌توانند برای برقراری مجدد اعتماد و همکاری اساسی با یکدیگر و در داخل ناتو با هم همکاری کنند؟ این چیزی کمتر از یک تلاش بزرگ نیست و آسان و حتی محتمل هم نخواهد بود. از سوی دیگر یک نهاد حقوق بشری مصر ترکیه را متهم کرده است که حتی کودکان را به جنگ داخلی سوریه می‌فرستند.

سازمان حقوقی مایت: تسلیح یک هزار و ۳۱۶ کوردک سوری از سوی ترکیه
یک سازمان حقوقی مصری اعلام نمود که ترکیه نزدیک به یک هزار و ۳۱۶ کوردک سوری را مسلح کرده و در این رابطه با اتکا به اسناد و مدارک اعلام نمود که ترکیه تمامی قوانین و پیمان‌های بین‌المللی مرتبط با ممنوعیت تسلیح کودکان را نقض کرده است.



سازمان حقوقی مایت که مرکز آن در مصر است گزارشی را تحت عنوان همکاری دولت ترک در تسلیح کودکان در مناطق اشغال شده شمال-شرق سوریه منتشر کرد. در این گزارش آمده است که جامعه بین‌المللی در حفظ غیر نظامیان سوری از تبه‌کاران وابسته به دولت ترک شکست خورده است و با تشویق نظام‌مند این دولت تبه‌کاران وابسته به دولت ترک مرتکب جرایم جنگی و نقض قوانین بین‌المللی در تسلیح کودکان می‌شوند.

این سازمان مصری در گزارش خود اعلام کرده است که تبهکاران برای تسلیح کودکان سوریه از زور و اجبار استفاده کرده و راه‌های مختلفی را نیز به کار می‌گیرند. این سازمان‌ها کودکان را به زور وارد جنگ در مناطق شمال-شرق سوریه نموده و در نتیجه این اقدامات صدها کودک کشته و مجروح شده‌اند. این سازمان در بخش دیگری از گزارش خود تأیید کرده است که دولت ترک به شیوه‌ای مستقیم تسلیح کودکان را به منظور شرکت در جنگ‌های شمال-شرق سوریه انجام داده و در مواردی این کودکان برای نبردهای حکومت وفاق لیبی به این کشور اعزام می‌شود. همچنین این سازمان اعلام نموده است که این اقدام از سوی شرکت‌های امنیتی انجام می‌شود و افراد کمتر از ۱۸ سال را به مناطق جنگی، خصوصاً لیبی اعزام می‌کنند.

همچنین در این گزارش خاطرنشان شده است که تبهکاران دولت ترکیه از آوریل سال ۲۰۲۰، دو کودک را برای انجام دادن انفجاری در یک نشست نظامی نیروهای سوریه دمکراتیک به مناطق شمال-شرق سوریه فرستاده‌اند. در ادامه این گزارش آمده است که این کودکان ۱۵ سال سن و لباس غیرنظامی بر تن داشتند. یکی از این دو کودک پیش از رسیدن به محل مورد نظر دست به عملیات انتحاری زده بود. کودک دیگر نیز مجروح و تحت نظر نیروهای سوریه دمکراتیک، دستگیر شده است.

از طرف دیگر، ایمن عقیل ریاست این نهاد حقوقی اعلام نمود که از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۹ تبهکاران وابسته به دولت ترک در شمال-شرق سوریه نزدیک به ۱ هزار و ۳۱۶ کودک را مسلح کرده‌اند، این آمار با توجه به گزارش‌های بین‌المللی و نظارت سازمان مایت تأیید شده است. عقیل در این باره اظهار داشت که این اقدام برخلاف تمامی مفاد و بندها پیمان‌های بین‌المللی است که در آن تسلیح کودکان و شرکت دادن آن‌ها در جنگ‌ها را ممنوع کرده‌اند. عقیل در بخش دیگری از سخنان خود خاطرنشان ساخت که دولت ترک نزدیک به ۳۸۰ کودک را بعد از مسلح نمودن در مناطق شمال-شرق سوریه به مناطق دیگر و خصوصاً لیبی اعزام کرده‌اند، طبق گزارش‌های دریافتی نزدیک به ۲۵ کودک در لیبی کشته شده‌اند.

محمد مختار از پژوهش‌گران سازمان مایت نیز تأکید کرد که با وجود این‌که دولت ترک خود بیش‌تر پیمان‌های بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت تسلیح و مشارکت کودکان در جنگ را امضاء کرده است، اما دولت ترک تمامی این موارد را نقض کرده و برای مشارکت دادن کودکان در جنگ‌ها، از تبهکاران وابسته به خود در شمال-شرق سوریه حمایت می‌کند. سازمان مایت در گزارش خود در رابطه با جرایم جنگی دولت ترک در عفرین اشغال شده نیز اعلام کرده است که دولت اشغال‌گر تلاش کرده است تا در عفرین هویت ساکنان این منطقه را تغییر دهد، به شیوه‌ای نظام‌مند ساکنان عفرین را از این شهر اخراج کند، به صورت سیستماتیک تبهکاران خارجی را در این شهر اسکان دهد و بر خلاف قوانین، به قتل و تعدی دست بزنند.

ایمن عقیل در خاتمه سخنان خود اظهار داشت که دولت ترک از طریق استقرار تبهکاران وابسته به خود به جای ساکنان اصلی عفرین دست به تغییر دموگرافیک منطقه زده است. استقرار جانبیان در عفرین هم‌زمان به معنای تغییر اسامی ادارات و سازمان‌ها و خدمات‌رسانی به زبان ترکی بوده است. از این طریق هویت فرهنگی منطقه نابود شده و اشغال‌گری دولت ترک تداوم یافته و تثبیت می‌شود.

شایان ذکر است که سازمان مایت، به عنوان سازمان غیر دولتی مصری، به منظور پیش‌برد صلح و توسعه و حقوق بشر، بر تداوم حفظ حقوق بشر در آفریقا و خاورمیانه متمرکز است.

در این میان نقش دولت، سازمان‌های اطلاعاتی و ارتش ترکیه در تشدید بحران و تجهیز تروریست‌ها برای شروع جنگ داخلی در سوریه بر کسی پوشیده نیست.

اما با آغاز وقایع موسوم به بهار عربی در ابتدای دهه دوم ۲۰۰۰، مدل رفتاری رهبران ترکیه نیز تغییر کرده و آن‌ها تلاش کردند با سوار شدن بر موج اعتراضات در کشورهای عربی، دولت‌های تحت حمایت خود و وابسته به تفکر اخوان المسلمین را به قدرت برسانند.

از ماه ژانویه ۲۰۱۱ میلادی به تدریج اعتراضات و ناآرامی‌های جهان عرب به خاک سوریه نیز کشیده شد. در این میان نقش دولت، سازمان‌های اطلاعاتی و ارتش ترکیه در تشدید بحران و تجهیز تروریست‌ها برای شروع جنگ داخلی در سوریه بر کسی پوشیده نیست.

نیروهای نظامی و اطلاعاتی ترکیه برای این منظور از ۳ بازوی قدرت خود در خاک سوریه استفاده کردند. نخستین مورد، هسته‌های جریان اخوان المسلمین در خاک سوریه بودند که بخش زیادی از قوای ارتش سابق سوریه را نیز تشکیل می‌دادند و تنها ۶ ماه پس از شروع ناآرامی در این کشور اقدام به جدا شدن و تشکیل ارتش آزاد سوریه کردند. دومین مورد تجهیز و سازماندهی جمعیت ترکمن شمال سوریه به ویژه در استان‌های لاذقیه و حلب بود که با توجه به اشتراک هویتی و زبانی با نیروهای نظامی ترکیه، می‌توانستند هدف‌گذاری بلندمدتی بر روی این گروه‌ها برای تشکیل یک نیروی نیابتی نظامی در آینده انجام دهند. هدف‌گذاری که در حال حاضر منجر به تشکیل قوای موسوم به ارتش ملی سوریه SNA در شمال این کشور شده که به پتانسیل بیش از ۴۰ هزار نیرو رسیده و حتی هزاران نفر از این مزدوران به خاک لیبی و درگیری‌های این کشور ارسال شدند.

سومین و خطرناک‌ترین اقدام ترکیه تبدیل شدن این کشور به محلی امن برای سرازیر شدن تروریست‌های خارجی از غرب چین تا مرکز اروپا، شمال آفریقا و حتی در مواردی از قاره آمریکا به خاک سوریه بود. اگرچه در سال‌های نخست جنگ سوریه با توجه به از دست رفتن کنترل خطوط مرزی این کشور، تروریست‌ها از خاک اردن و لبنان نیز به سوریه وارد می‌شدند اما این دو معبر هرگز امنیت و سهل الوصول بودن مرز ترکیه را در خود نداشتند.

در سال‌های نخست جنگ سوریه (تا سال ۲۰۱۶) اقدامات ارتش ترکیه در این جنگ محدود به ارسال سلاح و تجهیزات به مخالفان حکومت اسد، حمایت اطلاعاتی، حضور برخی فرماندهان نظامی ترک در مناطق درگیری و گاهی ایجاد مزاحمت برای نیروی هوایی سوریه و سرنگونی هواگردهای این کشور میشد. اما پس از ناامیدی این کشور از پیروزی نیروهای تحت حمایتش در جنگ سوریه و آغاز شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های پیاپی آن‌ها در مناطق مختلف سوریه به ویژه داعش، رهبران ترکیه تصمیم به تغییر راهبرد خود در این جنگ گرفتند.

نخست دولت ترکیه اهمیت چندان به سقوط یا ادامه کار بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه نمی‌داد. آنچه برای سران ترکیه اولویت داشت تشکیل یک منطقه امن و حائل در شمال سوریه با حضور گروه‌های تحت حمایت این کشور در آینده نزدیک و احتمالاً ضمیمه شدن این مناطق در سال‌های بعد به خاک ترکیه از یک طرف و سرکوب نیروهای کردستان سوریه (روژآوا) و جلوگیری از نفوذ پ.ک.ک در این منطقه از سوی دیگر بود.

پس از شکست تروریست‌ها در رسیدن به این هدف و هم‌زمانی این واقعه با قدرت گرفتن نیروهای کرد YPG که مشغول مبارزه با تروریست‌های داعش در شمال سوریه بودند، سران ترکیه کلیت طرح خود را در آستانه فروپاشی می‌دیدند. بدین جهت راهبرد ترکیه از پشتیبانی غیرمستقیم از مخالفان حکومت اسد، به ورود نظامی مستقیم به خاک سوریه تغییر کرد.

نبرد شهر کوبانی در شمال استان حلب در سال ۲۰۱۴ و مقاومت و مبارزه تحسین برانگیز رزمندگان این شهر در برابر هجوم وحشیانه داعش موجب شد تا طرح جدیدی در شمال سوریه اجرا شود. پیروزی یگان‌های مدافع خلق در کوبانی و شکست داعش با اعتراض و ابراز نگرانی شدید دولت ترکیه مواجه شد.

از سال ۲۰۱۵ تا ماه‌های ابتدائی ۲۰۱۶ نیروهای دموکراتیک سوریه SDF موفق به تصرف خطوط مرزی سوریه-ترکیه در استان‌های حسکه، رقه و حلب تا کرانه شرقی رود فرات کردند. اما تصمیم این نیروهای کردی به عبور از رود فرات و وارد شدن به بخش غربی آن برای تصرف شهر منبج در واقع عبور از آخرین خط قرمز ارتش ترکیه بود. دولت ترکیه به خوبی می‌دانست که تصمیم یگان‌ها مدافع خلق کرد کرد برای تصرف منبج و پیشروی به سمت غرب نه برای مبارزه با داعش بلکه برای رسیدن به رویای دیرینه اتصال کانتون جزیره (حد فاصل قامشلی تا کوبانی) به منطقه تحت محاصره عفرین بود. نهایتاً دولت و ارتش ترکیه تصمیم به مداخله نظامی مستقیم و ممانعت از پیشروی نیروهای SDF در گام اول گرفتند.

نیروهای SDF از ماه ژوئن تا آگوست ۲۰۱۶ سه ماه پلائی و سرنوشت ساز برای پیشروی تا شهر اعزاز و بیرون راندن قوای تحت حمایت ترکیه و اتصال به منطقه عفرین را از در راه تصرف شهر منبج از دست دادند و سرانجام پس از ۳ ماه نبرد به علت مقاومت سرسختانه تروریست‌های داعش در این شهر ناچار به مصالحه و تضمین خروج امن نیروهای داعش از شهر منبج به استان رقه شدند.

در همین دوره ارتش ترکیه با تشکیل کمپین سپر فرات (درع الفرات) با سازماندهی هزاران نفر از شبه‌نظامیان ترکمن از گروه‌هایی نظیر لشکر حمزه و تیپ سلطان مراد (اعضای سابق ارتش آزاد) همراه با ورود لشکرهای زرهی و توپخانه‌ای و حمایت نیروی هوایی این کشور به بهانه مبارزه با گروه داعش (که تا پیش از این هیچ اقدامی علیه آن انجام نمی‌داد) و در اصل برای جلوگیری از پیشروی یگان‌ها مدافع خلق روژ آوا اقدام به ورود به خاک سوریه کرد.

تروریست‌های داعش که ادامه حضور در مناطق مرزی ترکیه و مبارزه همزمان با هر دو طرف را بی‌فایده می‌دانستند بدون مقاومت خاصی شروع به عقب‌نشینی کرده و شهرهایی مانند جرابلس، دابق، صوران، مارع و کلجبرین به سرعت تحت کنترل قوای سپر فرات درآمد. این نیروها به سرعت خود را به منطقه العریمه در غرب منبج رسانده و اقدام به درگیری با نیروهای پیشرو SDF در این منطقه کردند.

پس از این واقعه پیشروی نیروهای SDF متوقف و رویای اتصال کانتون‌های کردنشین شمال سوریه برای همیشه فراموش شد.



نموداری از گروه‌های تحت امر ترکیه در شمال سوریه

اما ارتش ترکیه برای این که جای پای خود را در این منطقه محکم کند نیاز به پایگاه و شهری بزرگ در شمال استان حلب داشت. بدین منظور شهر الباب به عنوان دومین شهر بزرگ و پر جمعیت استان حلب انتخاب شد. از ماه نوامبر ۲۰۱۶ ارتش ترکیه با همراهی قوای سپر فرات حمله نهائی برای تصرف شهر الباب که پیش از جنگ داخلی ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشت را آغاز کردند.

کلیه تروریست‌های داعش در منطقه شمال استان حلب که از شهرها و روستاهای این منطقه عقب‌نشینی کرده بودند، وارد شهر الباب شده و تحت رهبری ابوخالد الاردنی والی داعش در این شهر قرار گرفتند. برخلاف درگیری‌های گذشته این‌بار اما نیروهای داعش قصد عقب‌نشینی و تسلیم شهر را نداشته و با استعدادی در حدود ۳ هزار نفر و ذخیره کافی سلاح قصد مقاومت در برابر پیشروی ارتش ترکیه را داشتند.

دو موج اولیه حملات نیروهای سپر فرات با پشتیبانی آتش توپخانه ارتش ترکیه به فاجعه تمام عیار تبدیل شد و این نیروها با تلفات شدید مجبور به عقب‌نشینی شدند. بدین ترتیب ارتش ترکیه تصمیم به ورود مستقیم با استفاده گسترده از ادوات زرهی به نبرد الباب می‌گیرد.

اما ارتش ترکیه که تا پیش از این نبرد تجربه درگیری فرامرزی آن‌هم بر علیه یک گروه شبه‌نظامی در جنگ چریکی را نداشت، با استفاده از تاکتیک‌های اشتباه و عدم درک کافی از شرایط جنگ شهری نیروها و تانک‌های خود را به قتلگاه الباب ارسال کرد.

در طول ۴ ماه نبرد سنگین در حومه الباب حدود ۶۰ نظامی ارتش ترکیه و بیش از ۵۰۰ تن از قوای سپر فرات کشته و صدها نفر دیگر زخمی شدند، آن‌هم در شرایطی که تنها ۳ هزار تروریست داعش با تسلیحات متوسط نظیر خمپاره و موشک ضد زره و خودروهای انتحاری با آن‌ها مقابله می‌کردند.

همچنین ۱۸ دستگاه ادوات زرهی ارتش ترکیه از جمله ۸ عراده تانک اصلی میدان نبرد Leopard ۴A۲ در طی نبرد الباب توسط موشک‌های ضد زره داعش نابود شد.

سرانجام در روز ۲۳ فوریه ۲۰۱۷ میلادی ارتش ترکیه و نیروهای تحت حمایتش موفق به تصرف شهر الباب و بیرون راندن نیروهای مخالف خود شدند اما بهای سنگینی که ارتش ترکیه به دلیل نداشتن تجربه چنین میدان نبردی پرداخت موجب شد تا فرماندهان این کشور در عملیات‌های بعدی خود در خاک سوریه با احتیاط بیشتر و راهبردی متفاوت عمل کنند.

مجموعه این اتفاقات موجب شد تا در ماه جولای ۲۰۱۵ دولت ترکیه معاهده آتش‌بس ۲ و نیم ساله ترکیه و حزب PKK پایان یافته اعلام کرد و خونین‌ترین دوره درگیری‌ها میان دو طرف آغاز شود.

موسسه Crisisgroup با استناد بر منابع مختلف شامل ارتش ترکیه، رسانه‌های وابسته به پ.ک.ک و برخی منابع محلی و با جمع‌آوری لیست اسامی افراد کشته شده در درگیری‌های آماری نسبتاً دقیق و دسته‌بندی شده از تلفات طرف‌های درگیر در نبرد منتشر کرده است.

بر طبق این آمار از تاریخ ۲۵ جولای ۲۰۱۵ و پایان آتش‌بس تا ۷ ماه می ۲۰۲۰ میلادی، ۴۸۶۹ نفر در درگیری‌های مناطق شرقی ترکیه میان ارتش این کشور و گریلاهای مسلح کشته شده‌اند.

در این میان ۱۲۳۴ نیروی امنیتی ترکیه شامل ۸۲۳ سرباز ارتش، ۲۹۸ نیروی پولیس و ۱۱۳ نیروی محلی تلفات قوای دولتی ترکیه بوده است. در میان نظامیان ارتش این کشور که در درگیری‌ها کشته شده‌اند ۷۰۹ سرباز رده پائین، ۸۳ افسر و ۱۱ ژنرال دیده می‌شوند.

در این درگیری‌ها همچنین ۲۹۱۲ شبه نظامی پ ک ک و ۴۹۷ غیرنظامی نیز کشته شدند. بیش‌ترین کشته‌ها مربوط به نبرد شهر نصیبین از ژانویه تا ژوئن ۲۰۱۶ است که نیروهای PKK بر خلاف رویه قدیمی با کشاندن درگیری به مناطق شهری پرمجمعیت اقدام به اخراج مقامات محلی و کنترل عبور و مرور در شهرهای مناطقی مانند ماردین، شرناخ و حکاری می‌کردند که با واکنش سنگین ارتش ترکیه و بمباران سنگین این مناطق ده‌ها هزار نفر از ساکنین مجبور به ترک منازل خود و مهاجرت به استان‌های مرکزی این کشور شدند.

نتیجه این درگیری‌ها برای PKK و رهبران آن که به دنبال منطقه خودمدیرات دموکراتیک در کردستان ترکیه بودند، شکست سنگینی محسوب می‌شد و در سال‌های بعد با افزایش فشار ارتش ترکیه و عملیات پرتعداد پهپادهای تهاجمی این کشور در شمال عراق و کوهستان قندیل، فعالیت گریلاهای این حزب محدودتر شد.

اما این درگیری‌ها برای ترکیه و به خصوص حزب حاکم عدالت و توسعه نیز ضربات فراوانی دید. در وهله نخست مقامات ترکیه به خوبی طعم تلخ حمایت از داعش و سایر تروریست‌های در جنگ داخلی سوریه و آنچه در حق مردم روژآوا انجام داده را در خاک خود چشیدند.

همچنین حزب عدالت و توسعه و جریان فاشیستی «حرکت ملی» متحد این حزب یعنی ائتلاف MHP در سال‌های بعد و در انتخابات پارلمانی و شورائی در استان‌های شرقی این کشور که شاهد درگیری‌های سنگی نظامی بود با کاهش چشمگیر آراء و محبوبیت مواجه شد که احتمالاً در آینده نزدیک نیز این رویه ادامه خواهد داشت.

کاهش شدید ارزش لیر بزرگترین چالش اردو خان و آینده نامعلوم حزب حاکم ترکیه؛ بحران اقتصادی ترکیه در حال افزایش است و اگر بحران لیر مهار نشود خطرات زیادی برای اقتصاد و حزب حاکم این کشور به همراه خواهد داشت.

حزب حاکم ترکیه یعنی حزب عدالت و توسعه، به ریاست رجب طیب اردو خان رئیس‌جمهور این کشور، در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید و آن را به لطف موفقیت بزرگ اقتصادی و توسعه‌ای که در این سال‌ها به دست آورد، نزدیک به بیست سال نگه داشت، اما به نظر می‌رسد این موفقیت در حال فرسایش است و این فرسایش نه تنها به دلیل انتشار ویروس کرونا، بلکه به دلایل زیادی از جمله ورود حزب به مرحله پیری، تشدید اختلافات داخلی بین جناح‌های آن، دو دستی‌گری برخی جریان‌های آن، افزایش تعداد مخالفان و اتحاد آن‌ها علیه دولت اردو خان و تمرکز قدرت در دست رئیس‌جمهور، ارتباط دارد.

اردو خان، صبح روز دوشنبه گذشته، با خبرهای بدی همچون کاهش ۱۷ درصدی ارزش لیر ترکیه در معاملات بازارهای مالی مواجه شد. این کاهش ارزش واحد پول ملی ترکیه پس از اقدام اردو خان برای برکناری ناجی اقبال رئیس بانک مرکزی - که از اعتبار محلی و بین‌المللی برخوردار است - پس از چهار ماه از انتصابش در این سمت صورت گرفت. اعتبار رئیس بانک مرکزی ناشی از تجربه و استقلال وی در تصمیم‌گیری بود. این اقدام اردو خان باعث نگرانی و اضطراب سرمایه‌گذاران و ایجاد هرج و مرج در بازارهای مالی شد.

ارزش لیر ترکیه امروز در بازار به ۸.۵ واحد در مقابل یک دالر رسیده است که بیش‌ترین کاهش ارزش پول ملی ترکیه را تجربه می‌کند؛ این در حالی است که ارزش لیر در زمان رئیس کل بانک مرکزی برکنار شده بهبود یافته بود به طوری که هر دالر معادل ۷.۲ لیر ترکیه تثبیت شده بود؛ هنوز مشخص نیست که این کاهش در دوره رئیس بانک مرکزی جدید ادامه خواهد یافت یا متوقف خواهد شد.

به گفته ناظران، بحران‌های اقتصادی ترکیه تشدید می‌شوند و اگر به سرعت بحران لیر ترکیه مهار نشود خطرات زیادی برای اقتصاد این کشور به همراه خواهد داشت، زیرا این بحران هم‌زمان با بحران‌های سیاسی است، که

بارزترین آن اختلافات ترکیه با بسیاری از کشورهای حوزه شرقی دریای مدیترانه در مورد مرزهای قاره ای، و حقوق حفاری‌های نفت و گاز است.

گزارش‌ها حاکی است که جنگنده‌های روسیه روز یکشنبه اول فروردین اردوگاه‌های آموزشی نیروهای مسلح مخالف حکومت بشار اسد در شمال غرب سوریه را هدف قرار دادند. همزمان با حملات هوایی جنگنده‌های روسیه در نزدیکی اردوگاه پناهجویان که با ترکیه همجوار است، یک موشک روسی زمین به زمین نیز به شهرستان «قاج» اصابت کرد. همچنین یک تاسیسات گازی در نزدیکی شهر «سرمد» در استان ادلب هدف حمله جنگنده‌های روسیه قرار گرفت اما تاکنون تلفاتی در این مورد گزارش نشده است. این حملات پس از آن صورت گرفت که اصابت گلوله‌های توپخانه «ارتش ملی سوریه» به بیمارستانی در حومه حلب، منجر به کشته‌شدن دستکم پنج غیرنظامی و زخمی شدن ۱۴ نفر از کادر درمانی این بیمارستان شد. در میان کشته‌شدگان یک کودک و یک زن به چشم می‌خورد. یوسف حمود، سخنگوی ارتش ملی سوریه، به خبرگزاری رویترز گفت: «حملات هوایی روسیه ادامه دارد. موشک‌های بالستیک نیز نواحی نزدیک به مراکز غیر نظامی را هدف قرار داده‌اند.» او هدف از حملات متحدان روس بشار اسد را ایجاد «بی‌ثباتی» و «آشفته‌گی و آشوب» در آخرین پایگاه‌های تحت کنترل نیروهای شورشی در سوریه عنوان کرد. ادلب، آخرین منطقه باقی‌مانده در دست مخالفان دولت مرکزی در جنگ سوریه است که ارتش بشار اسد با حمایت روسیه و سایر متحدین با دمشق، برای بازپس‌گیری آن تلاش می‌کند. روسیه با هدف کمک به بقای حکومت بشار اسد از شهریور سال ۹۴ در سوریه حضور نظامی دارد و جنگنده‌های آن چتر پوششی برای پیشروی نیروهای زمینی ارتش سوریه ایجاد می‌کنند.

هواپیماهای ترکیه نیز مواضع نیروهای روژآوا را بمباران کردند. نیروی هوایی ترکیه، شامگاه شنبه ۲۰ مارس-۳۰ اسفند، برای نخستین بار طی یک سال و نیم گذشته، مواضع شبه نظامیان کرد در شمال سوریه را مورد حمله قرار داد. وزارت دفاع ترکیه اعلام کرد که شمار شبه نظامیان کرد کشته شده در جریان این حمله هوایی، به ۲۰ نفر رسیده است. گروه دیده بان حقوق بشر سوریه که در بریتانیا مستقر است، طی گزارشی اعلام کرد که یک جنگنده نیروی هوایی ترکیه، شامگاه شنبه ۲۰ مارس-۳۰ اسفند، مواضع شبه نظامیان کرد در شمال سوریه را بمباران کرده است. بر اساس این گزارش، هدف ترکیه، حمله به مواضع نیروهای دموکراتیک سوریه بوده است که هسته مرکزی آن را شبه‌نظامیان کرد و «یگان‌های مدافع خلق» تشکیل می‌دهند. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، حمله نیروی هوایی ترکیه، همزمان با درگیری شدید و حملات راکتی میان نیروهای دموکراتیک سوریه و پیکارجویان تحت حمایت ترکیه در منطقه «عین عیسی»، به وقوع پیوسته است. رامی عبدالرحمان مدیر دیده‌بان حقوق بشر سوریه، به خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که در جریان درگیری بین دو طرف در شبانه‌روز گذشته، نیروهای دموکراتیک سوریه و شبه نظامیان کرد، یک تانک ترکیه را منهدم کرده اند و بدین ترتیب نیروهای مورد حمایت ترکیه نتوانسته‌اند پیشروی کنند.

به گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، حمله جنگنده هوایی ترکیه به مواضع نیروهای کرد در روستای «سعیده» واقع در منطقه «عین عیسی» در شمال سوریه، اولین حمله هوایی ترکیه طی ۱۷ ماه گذشته محسوب می‌شود و با انفجارهای شدیدی همراه بوده است.

از سوی دیگر، وزارت دفاع ترکیه روز یکشنبه ۲۱ مارس- اول فروردین، در حساب کاربری خود در توئیتر اعلام کرد: «در جریان حمله نیروهای هوایی به مواضع نیروهای کرد در شمال سوریه، ۲۰ نفر از تروریست‌ها خنثی شده‌اند.» وزارت دفاع ترکیه کمی پیش از آن، از کشته شدن ۸ نفر از اعضای «پ.ک.ک» (حزب کارگران کردستان)، خبر داده بود.

دیده‌بان حقوق بشر در سوریه روز سه‌شنبه سوم فروردین اعلام کرد که سپاه پاسداران ده‌ها خانه و مغازه در استان دیرالزور را مصادره کرده و به نیروهای شبه‌نظامی مورد حمایت خود تحویل داده است.

همزمان خبرگزاری رسمی ترکیه، آناتولی، نیز گزارش داده که سپاه پاسداران طی روزهای گذشته ۶۰ خانه متعلق به ساکنین دیرالزور و منطقه البوکمال را مصادره کرده است.

این مناطق در شرق سوریه و جنوب منطقه رقه قرار داد. اخیراً گزارش شده بود که نیروهای نظامی روسیه با ورود به منطقه رقه، نیروهای ایرانی و شبه‌نظامیان تحت حمایت آن‌ها را از مناطق نفتی «اخراج» کرده است.

دقیقاً معلوم نیست نیروهای اخراج شده ایرانی و شبه‌نظامیان مورد حمایت آن، خصوصاً لشکر فاطمیان که در رقه حضور داشتند، به کجا نقل مکان کرده‌اند.

دیده‌بان حقوق بشر در سوریه می‌گوید نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران طی روزهای گذشته ۱۰ خانه و ۳۰ مغازه در منطقه دیرالزور را به بهانه این‌که این املاک متعلق به «مخالفان نظام بشار اسد» است، مصادره کرده و در اختیار نیروهای تحت حمایت خود قرار داده است.

این گزارش می‌گوید برخی مغازه‌های مصادره شده نیز برای تامین پول برای شبه‌نظامیان اجاره داده می‌شود.

دیرالزور منطقه‌ای است که نیروهای بشار اسد با کمک جمهوری اسلامی ایران و روسیه در نوامبر ۲۰۱۷ از نیروهای داعش بازپس گرفتند و بسیاری از ساکنان آن از این مناطق فرار کرده‌اند؛ موضوعی که خبرگزاری آناتولی نیز به آن اشاره کرده و گفته که سپاه خانه‌های آوارگان جنگی را مصادره کرده است.

آناتولی می‌گوید «رژیم اسد به برخی از تروریست‌های خارجی که در حمایت از رژیم می‌جنگند شهروندی سوریه را اعطا کرده و با این روش مسیر مصادره خانه‌های شهروندان سوری به نفع آن‌ها هموار شده است.»

دیده‌بان حقوق بشر سوریه نیز گزارش داده که گروه «ابوالفضل العباس» تحت حمایت سپاه پاسداران در ۱۳ مارس، حدود ۱۰ روز پیش، نیز یک پمپ بنزین در شهر المیادین استان دیرالزور را مصادره کرد.

گفتنی است که حضور نظامی ایران در سوریه از زمان ورود روسیه به خط بحران به پرونده‌ای «نگران‌کننده» پر دردر برای مسکو تبدیل شده است. روسیه به دنبال محدود کردن نقش جمهوری اسلامی ایران به برخی مأموریت نظامی مشخص است اما ایران تلاش می‌کند که از وجود خود در سوریه برای ترویج افراط گرایی شیعی و تغییر بافت مذهبی برخی مناطق سوریه فعالیت کند.

در چنین شرایطی نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا، روز یکشنبه ۲۱ مارس ۲۰۲۱ اعلام کرد، مانور مشترک بزرگی را با نیروی دریایی کشورهای بلژیک، فرانسه و ژاپن در خاورمیانه برگزار می‌کند.

این مانور نظامی مشترک در حالی صورت می‌گیرد که تنش میان تهران و واشینگتن درباره برنامه هسته‌ای ایران به اوج خود رسیده است.

مانور گروهی این چهار کشور که به نام «جنگ در دریای عرب» برگزار می‌شود، شاهد حضور کشتی‌های جنگی از چهار کشور آمریکا، فرانسه، بلژیک و ژاپن خواهد بود که نیروهای دریایی این کشورها در دریای عرب و خلیج عمان شرکت خواهند کرد. در این مانور دریائی، ناو هواپیمابر فرانسوی شارل دوگل، کشتی حمله زمینی-دریائی یو اس اس، مک کین آیلند، ناوچه بلژیکی لئوپولد، ناوشکن ژاپنی آریاکا و هواپیماهائی از این چهار کشور شرکت خواهند کرد. این مانور دریائی در حالی برگزار می‌شود، که ایران پس از خروج یک جانبه دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق آمریکا در سال ۲۰۱۸ از توافق هسته‌ای، تمام تعهدات و محدودیت‌های مربوط به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با قدرت‌های جهانی را ملغی کرد.

جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، با ابراز تمایل به بازگشت ایالات متحده به توافق هسته‌ای اعلام کرد، اگر ایران به مفاد توافق هسته‌ای خود پایبند باشد، ایالات متحده به برجام باز خواهد گشت.

اما ایران به این سیاست نرم ایالات متحده پاسخ نداد و با شبه‌نظامیان وابسته به خود در عراق، سفارت آمریکا و پایگاه عین الاسد که محل استقرار نیروهای آمریکا است را هدف قرار داد.

امریکا نیز با حمله به شبه نظامیان وابسته به ایران در سوریه، به ایران و وابستگانش به شدت هشدار داد.

مقامات امریکائی در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۲۱، در گفت‌وگو با خبرگزاری «رویترز» از حمله هوائی ایالات متحده آمریکا به سازه‌ای متعلق به یک گروه شبه‌نظامی وابسته به ایران در سوریه خبر دادند.

به گفته مقامات امریکائی، جو بایدن، فرمان انجام این حمله هوائی علیه گروه شبه‌نظامی مورد حمایت ایران در سوریه را صادر کرده است.

حمله هوائی آمریکا علیه گروه شبه‌نظامی مورد حمایت ایران در سوریه پس از آن صورت گرفت که یک سلسله حملات راکتی، مقرهای امریکائی در عراق را هدف قرار داد.

بنا به گفته این منابع، حمله به گروه شبه‌نظامی ایرانی در سوریه «با حملات به اهداف امریکائی در عراق در ارتباط است.»

این مانور بزرگ و جابه‌جائی و تحرکات نظامی این روزهای آمریکا و متحدانش در عراق و منطقه می‌تواند نوعی جنگ روانی باشد.

ایا حمله قریب‌الوقوع آمریکا به متحدین جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه احتمالاً می‌تواند سرآغاز درگیری مستقیم آمریکا و ایران باشد.

در میان گزینه دوگانه فوق آنچه بسیار مهم است افزایش هزینه‌های روانی و امنیتی این اقدام در دستور کار آمریکا و متحدانش بوده است ولی آنچه مهم‌تر از شرایط فعلی است به تحولات روزهای آینده مربوط می‌شود. در چنین شرایطی است که نگرانی افکار عمومی تا حدود زیادی قابل درک است.

ترامپ در مه ۲۰۱۸-اردیبهشت ۱۳۹۷ از توافق هسته‌ای ایران خارج شد و تحریم‌های متعددی را علیه این کشور وضع کرد. بایدن خواهان بازگشت مشروط به برجام است. بر اساس آنچه در آن زمان وبسایت ستاد بایدن منتشر کرد، در صورت پایبندی ایران به برجام او هم به این توافق باز خواهد گشت.

البته ناگفته نماند که باین رئیس جمهوری امریکا پیشاپیش از توافق‌های عادی‌سازی روابط میان امارات متحده عربی، بحرین و سودان با اسرائیل هم استقبال کرد و ضمن ستایش از نقش ترمپ در این زمینه، تاکید کرده است که سیاست امریکا برای کمک به شناسائی اسرائیل توسط دیگر کشورهای عربی را دنبال خواهد کرد.

نیروی دریائی ایالات متحده امریکا روز یکشنبه ۲۱ مارس ۲۰۲۱-دوم فروردین ۱۴۰۰ اعلام کرد به دنبال تنش‌ها در منطقه بر سر برنامه هسته‌ای ایران، یک مانور بزرگ دریائی به همراهی بلژیک، فرانسه و ژاپن را آغاز کرده است. این مانور با عنوان «گروه مانور جنگی دریای عرب» با شرکت ناوگان‌های متعلق به چهار کشور در دریای عرب و خلیج عمان (دریای عمان) صورت می‌گیرد.

ناو هواپیما بر «شارل دو گل» از فرانسه، ناو جنگی و تهاجمی آبی-خاکی «یو اس اس مکین آیلند» از امریکا، ناوچه «لئوپولد اول» از بلژیک و ناوشکن «جی‌اس آریاک» از ژاپن در این مانور شرکت دارند. جنگنده‌هایی از هر چهار کشور این مانور را همراهی می‌کنند.

این مانور در پی آن صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران با خروج امریکا از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۸، از تعهدات هسته‌ای خود طبق مفاد این توافق‌نامه سر باز زد و ظرفیت غنی‌سازی خود را تا سطح چشمگیری بالا برد و این روند ادامه دارد.

جمهوری اسلامی در ژانویه ۲۰۲۱ اعلام کرد که قصد دارد اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد تولید کند. در ماه فوریه نیز اجرای پروتکل الحاقی مبنی بر بازرسی‌های فوری و اقدامات نظارتی آژانس بر سایت‌های هسته‌ای خود را متوقف کرد.

از سوی دیگر ظاهراً جنگ کشتی‌ها بین اسرائیل و ایران ابعادی بسیار فراتر از آنچه تا کنون تصور می‌شده، داشته است. هفته گذشته، پس از گزارشی از «وال استریت ژورنال»، به نقل از منابع اسرائیلی، مشخص شد که دست‌کم ۱۲ حمله، ظرف دو سال گذشته کشتی‌های ایرانی را هدف قرار داده است.

عاموس هرئیل، تحلیل‌گر نظامی اسرائیلی، در این زمینه توضیح داد که اسرائیل تانکرهای نفتکش ایرانی را در چندین مکان هدف قرار داده است، از دریای سرخ در جنوب تا سواحل سوریه در شمال، اما دو طرف این موضوع را مخفی نگه داشته بودند. این در حالی است که اسرائیل و ایران هیچ‌کدام به گزارش وال استریت ژورنال واکنش یا پاسخی ندادند.

طبق آنچه روز گذشته روزنامه «هاآرتص» گزارش کرد، عاموس هرئیل فاش کرد «هدف قرار دادن کشتی‌های ایرانی از طریق آنچه او عملیاتی آرام نامید، صورت گرفته است». وی توضیح داد که «اسرائیل بدون ایجاد انفجار یا پرتاب موشک با خرابکاری و منفجر کردن نقاط حساس در درون کشتی‌ها آن‌ها را از حرکت انداخته و آن‌ها را کاملاً از فعالیت خارج کرده است.»

او توضیح داد که نیروی دریائی اسرائیل از تصرف و در دست گرفتن کنترل کامل تانکرهای نفتی ایران خودداری کرد تا این حملات تحت کنترل باقی بماند.

در گذشته اسرائیل کشتی‌ها را به اتهام حمل سلاح ایرانی کاملاً تصرف و سرنشینان آن را بازداشت می‌کرد. نمونه آن عملیاتی است که توسط کماندوهای نیروی دریائی اسرائیل با تصرف کشتی «کارین آ» در سال ۲۰۰۲ که به سمت غزه حرکت می‌کرد و یا کشتی «فرانکوف» و کشتی «کلوز سی» که در راه لبنان بودند در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴، انجام داد.

اسرائیل همچنین در سال ۲۰۱۰، با حمله به کشتی آزادی که برای شکستن محاصره غزه تلاش می‌کرد از همین روش استفاده کرد. در تمام این حملات اسرائیل، هماهنگی‌هایی با کشورهای غربی انجام داده، و استدلال می‌کرد که موفقیت ایران در ارسال این کشتی‌ها به مقصد به معنای رساندن پول و اسلحه برای کسانی است که درصدد اقدامات تروریستی علیه اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه هستند.

او خاطرنشان کرد، دو سال و نیم پیش، سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیلی و غربی راه‌ها و مسیرهای قاچاق نفت ایران که توسط نفتکش‌های بزرگ از مبدا بنداری در جنوب ایران انجام می‌شد، را کشف کردند. او همچنین تاکید کرد که این سرویس‌های جاسوسی معتقدند که این نفتکش‌ها و همچنین سایر کشتی‌ها ایرانی برای تامین بودجه مالی حزب‌الله نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

قابل ذکر است که «وال استریت ژورنال» به نقل از مقامات آمریکایی و منطقه‌ای اظهار داشت که حملات اسرائیل ۱۲ تانکر نفتی ایران را که به سوریه در حرکت بودند، طی مدت دو سال گذشته هدف قرار داده است. اسرائیل بر این باور است ایران از طریق ارسال محموله‌های این کشتی‌ها برای تامین مالی شبه‌نظامیان اقدام می‌کند.

۱۰ سال پیش، در پانزدهم مارس سال ۲۰۱۱، زمانی که اعتراضات «بهار عربی» به سوریه رسید، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که قیام مردم این کشور علیه حکومت فاسد و استبدادی خانواده اسد، با سرکوب شدید حکومتی مواجه و این اعتراضات به جنگی طولانی و ویرانگر تبدیل شود.

تحولات اعتراضات سوریه خیلی سریع از محدوده مرزهای این کشور فراتر رفت و بازیگران خارجی را درگیر خود کرد. منافعی که به ویژه جمهوری اسلامی ایران و روسیه در سوریه داشتند، مانع بزرگ به نتیجه رسیدن اعتراضات سوریه بوده و همچنان هستند.

اما نیروهای شبه‌نظامی مخالف دولت دمشق هر چه‌قدر هم که نیرومند می‌بودند، نمی‌توانستند بر ارتش سوریه غلبه کامل یابند. در مارس ۲۰۱۲، یعنی در اولین سالگرد اعتراضات، ارتش سوریه محله بابا عمر در حمص را پس از یک ماه محاصره دوباره به کنترل رژیم درآورد. همزمان چندین عملیات خونین و مرگبار از سوی ارتش رژیم بشار اسد به ویژه در حمه، مرکز سوریه، پس از برگزاری تظاهرات علیه حکومت انجام شد.

در ژوئیه همان سال، مخالفان مسلح نبرد دمشق را آغاز کردند. دولت توانست کنترل خود پایتخت را حفظ کند، اما مناطقی در حومه دمشق سقوط کرد و به دست مخالفان افتاد.

در همان زمان، سازمان ناظران حقوق بشر سوریه و همچنین مخالفان دولت، استفاده از «بشکه‌های انفجاری» پر شده از تی‌ان‌تی از سوی دولت را محکوم کردند. ارتش بشار اسد این بشکه‌های انفجاری را با هواپیماهایش بر روی مناطق تحت کنترل مخالفان می‌انداخت.

یک سال بعد، گروه شبه‌نظامی شیعی حزب‌الله لبنان تحت حمایت جمهوری اسلامی رسماً وارد درگیری‌های سوریه شد. در آوریل سال ۲۰۱۳، حزب‌الله برای حمایت از دولت اسد که خود از علوی‌ها، فرقه‌ای از فرق شیعه است، هزاران نیرو فرستاد. همزمان جمهوری اسلامی نیز نیروهایش را به صورت منظم‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر برای جنگیدن در کنار ارتش سوریه، روانه این کشور کرد.

از آن پس، حملات گسترده حکومت اسد آغاز شد و «جنایات جنگی» ارتش سوریه نیز از همان موقع شدت گرفت. بر اساس اعلام دولت امریکا، یک حمله کیمیائی در اوت سال ۲۰۱۳، در نزدیکی دمشق منجر به کشته شدن ۱۴۰۰ نفر شد. دولت امریکا در همان موقع توافقی را با روسیه برای از بین بردن زرادخانه کیمیائی سوریه به امضا رساند.

در ژوئن ۲۰۱۴، وقتی جنگ سوریه وارد چهارمین سال خود شده بود، گروه دولت اسلامی (داعش) در بخش‌های وسیعی از خاک سوریه و عراق اعلام «خلافت اسلامی» کرد، اما در سپتامبر همان سال، ائتلافی بین‌المللی به رهبری آمریکا برای از بین بردن این گروه تروریستی تشکیل شد و همزمان ائتلافی از نیروهای کرد و عرب نیز به مبارزه با داعش پرداختند.

داعش کم‌کم تحت محاصره قرار گرفت و باغوز، آخرین پایگاه این گروه در شرق سوریه، در مارس ۲۰۱۹، در هشتمین سالگرد اعتراضات سوریه، سقوط کرد.

با وجود ارتش نسبتاً مجهز سوریه و حمایت‌های زمینی جمهوری اسلامی و حزب‌الله، شکی نیست که اگر حمایت نیروی هوایی روسیه نبود، حکومت بشار اسد با دشواری‌های جدی مواجه می‌شد. روسیه که دارای پایگاه‌های نظامی در سوریه است، در سپتامبر ۲۰۱۵، پشتیبانی هوایی را برای حمایت از نیروهای حکومت اسد آغاز کرد.

ورود رسمی روسیه به جنگ سوریه، موجب شد که نیروهای مسلح مخالف کم‌کم عقب‌نشینی‌هایی را متحمل شوند و همزمان با حملات هوایی نیروهای روس، نیروهای بشار اسد نیز در خاک سوریه پیشروی کنند.

این پیشروی‌ها به گونه‌ای شد که حکومت پس از یک رشته حملات و محاصره‌های بی‌رحمانه، شهر مهم حلب را در سال ۲۰۱۶ به طور کامل در اختیار گرفت و غوطه شرقی در نزدیکی دمشق را نیز در سال ۲۰۱۸ به تصرف خود درآورد.

اما با وجود تلاش‌های بین‌المللی برای خلع سلاح کیمیائی حکومت اسد، این حکومت از سلاح کیمیائی برای پیشروی‌های خود استفاده کرد و یک حمله کیمیائی با گاز سارین از سوی دولت سوریه در آوریل ۲۰۱۷، جان ۸۰ غیرنظامی را در خان شیخون در غرب سوریه گرفت.

در واکنش به این حمله، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دستور حمله به پایگاه نظامی شعیرات در مرکز سوریه را صادر کرد. در آوریل سال ۲۰۱۸، آمریکا، فرانسه و بریتانیا حملاتی را علیه مواضع نظامی حکومت سوریه در واکنش به یک حمله کیمیائی در نزدیکی دمشق انجام دادند.

اما ترکیه هم یکی از بازیگران اصلی خارجی جنگ سوریه شد. در تاریخ نهم اکتبر ۲۰۱۹، ارتش ترکیه که پیش‌تر دو عملیات نظامی را در سال ۲۰۱۶ در شمال سوریه انجام داده بود، از عقب‌نشینی نیروهای امریکائی استفاده کرد و حملاتی را علیه نیروهای کرد به پیش برد. این عملیات نظامی آنکارا به ترکیه اجازه داد تا برای خود یک نوار مرزی حائل در خاک سوریه ایجاد کند.

در دسامبر ۲۰۱۹، حکومت سوریه تحت حمایت روسیه عملیاتی را برای تصرف شهر ادلب، در شمال غربی سوریه که در واقع آخرین پایگاه مخالفان مسلح به شمار می‌رود، آغاز کرد. اما یک توافق آتش‌بس در مارس ۲۰۲۰ که میان روسیه و ترکیه صورت گرفت، به حملات ارتش بشار اسد پایان داد.

در طول ۱۰ سال گذشته، پرونده‌های مختلفی درباره جنگ سوریه در مجامع بین‌المللی، از شورای امنیت سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن، تا دادگاه‌های کشورهای غربی تشکیل شده است. اما هنوز مقام‌های حکومت بشار اسد در دادگاهی معتبر حضور نیافته‌اند.

به تازگی در فرانسه پرونده‌ای درباره «جنایات جنگی» حکومت بشار اسد برای حملات کیمیائی این رژیم علیه مخالفانش گشوده شده است. همچنین در آلمان نیز یک عضو سرویس‌های اطلاعاتی سوریه به جرم «مشارکت در جنایات علیه بشریت» به چهار سال و نیم زندان محکوم شده است.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه، در یک ارزیابی جدید اعلام کرد جنگ در حالی وارد یازدهمین سال خود می‌شود که تاکنون دست‌کم ۳۸۸ هزار و ۶۵۲ نفر در این جنگ جان خود را از دست داده‌اند. از این میان، بیش از ۱۱۷ هزار نفر غیرنظامی از جمله بیش از ۲۲ هزار کودک بوده‌اند.

این سازمان که مقر آن در بریتانیاست، همچنین بر اساس اسناد به دست آمده، مرگ دست‌کم ۱۶ هزار زندانی را در زندان‌های حکومت بشار اسد به ثبت رسانده است. این رقم بسیار کمتر از آماری است که درباره مرگ زندانیان بر اثر شکنجه در زندان‌های سوریه تخمین زده می‌شود.

حکومت سوریه اکنون کنترل بیش از ۶۰ درصد خاک سوریه را در دست دارد و بقیه مناطق تحت کنترل نیروهای کرد در شمال شرقی کشور، نیروهای ترکیه در امتداد مرزهای شمالی و همچنین نیروهای شبه‌نظامی مخالف بشار اسد در شمال غربی کشور است.

علاوه بر کشته شدن صدها هزار نفر در جنگ سوریه و آواره شدن میلیون‌ها نفر دیگر، حدود ۲۰۰ هزار نفر نیز ناپدید شده‌اند.

جنگ سوریه در حالی به پایان دهمین سال خود رسید که مخالفان سیاسی حکومت دمشق در خارج از کشور برای متحد کردن خود مقابل حکومت سوریه دچار ضعف هستند.

بر اساس گزارش‌هایی که به تازگی منتشر شده، این گروه‌های مخالف حکومت اسد، هنوز نتوانسته‌اند که پل‌های محکمی با پایگاه اجتماعی خود در داخل کشور ایجاد کنند. این در حالی است که در اولین جلسه مخالفان اسد در ترکیه که در ژوئن سال ۲۰۱۱ برگزار شد، طیف وسیعی از مخالفان حضور داشتند؛ از اخوان المسلمین و روشنفکران، تا نماینده ملیت‌های مختلف و فعالان جوان.

اولین بلوک سیاسی مخالفان با عنوان «شورای ملی سوریه» در اکتبر سال ۲۰۱۱ ایجاد و یک سال بعد در ائتلافی بزرگ‌تر با حضور نیروهای سیاسی داخلی ادغام شد.

مخالفان سیاسی حکومت بشار اسد که در مذاکرات صلح تحت رهبری سازمان ملل متحد حضور دارند، هنوز نتوانسته‌اند با نمایندگان حکومت بر سر یک دوره گذار سیاسی در سوریه به نتیجه برسند.

همزمان شکست‌های نظامی مخالفان مسلح در داخل سوریه و همچنین فشارهای بین‌المللی، موجب شده که اپوزیسیون سیاسی اسد تحت فشار قرار گیرد تا رویکردی آشتی‌جویانه‌تر اتخاذ کند.

این مخالفان با وجود این که از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده‌اند، در مذاکرات سرنوشت‌ساز دیگری موسوم به «مذاکرات آستانه» که میان سه کشور ترکیه، روسیه و ایران در جریان بوده، حضور ندارند.

به گواهی گزارش‌هایی که در ماه‌های اخیر منتشر شده، در حالی ۱۰ سال از اعتراضات سوریه می‌گذر که مناطقی از این کشور که تحت کنترل دولت قرار دارند همچنان مستعد قیام علیه حکومت هستند.

متأسفانه میلیون‌ها تن از سوری‌ها هنوز آواره هستند و از سه میلیون جمعیت پیشین استان ادلب، بسیاری از آن‌ها کماکان در اردوگاه‌هایی که حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی دارند، زندگی می‌کنند.

سخن آخر:

به این ترتیب آنچه که در بالا بدان‌ها اشاره کردیم تنها نشان‌دهنده گوشه‌های کوچکی از جنگ و سرکوب و فلاکت‌بار اقتصادی خاورمیانه است. دعوائی بر سر نفت و غارت ثروت‌های سرشار طبیعی جوامع منطقه. ثروت‌هایی که می‌توانست برای مردم این منطقه خوشبختی و رفاه و آزادی به ارمغان بیاورد اما سیستم سرمایه‌داری و دولت‌های فاسد

حامی سرمایه زیست و زندگی را بر مردم این منطقه سیاه و سیاه‌تر و ناامن‌تر و غیرقابل تحمل‌تر کرده‌اند. جنگ و تروریسم و سرکوب و فقر امان مردم این منطقه را بریده است.

در واقع منطقه خاورمیانه بار دیگر به انبار باروت و سلاح‌های کشتار جمعی تبدیل شده است. در این میان یکی از حکومت‌هایی که همواره در عرصه داخلی و منطقه‌ای و جهانی تشنج‌آفرینی می‌کند جمهوری اسلامی ایران است. این حکومت با وجود این که با بحران‌های متعدد اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی دست به گریبان است اما همواره در جنگ‌های نیابتی منطقه فعال است و همواره رقبای خود همچون عربستان و اسرائیل و آمریکا را تهدید می‌کند. از سوی دیگر این حکومت نه تنها مخالفین خود را در داخل کشور دستگیر و زندانی و اعدام می‌کند در خارج کشور نیز عملیات تروریستی خود را گسترش داده است.

همچنین جمهوری اسلامی ایران در حالی که اپیدمی ویروس کرونا در جهان و ایران سلامتی شهروندان را به شدت تهدید می‌کند و دولت‌ها تدابیر بهداشتی گسترده‌ای را در دستور کار خود گذاشته‌اند اما جمهوری اسلامی ایران نه تنها در این مورد اقدام جدی انجام نداده بلکه خامنه‌ای رهبر این حکومت با یک فرمان جنایت‌کارانه خرید واکسن از آمریکا و انگلیس و فرانسه را ممنوع کرده است. اقدامی که جز جنایت علیه بشریت معنای دیگری ندارد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خاطرنشان کرد که همچنان پرسش‌های زیادی به پاسخ مانده و نکته‌های مبهم زیادی درباره رد اورانیوم کشف شده مطرح است.

گروسی گفت: «باید بدانیم آن‌جا چه اتفاقی افتاده است و چه فعالیت‌هایی در جریان بوده است. اگر ماده‌ای آن‌جا بوده، حالا کجاست. از آن‌جایی که این سایت‌ها اعلام نشده بوده، بحث درباره آن بسیار ضروری است و تا کنون بحث فنی همراه با جزئیات انجام نشده است.»

جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا بارها اعلام کرده است، در صورتی که ایران به تعهدات خود طبق مفاد برجام بازگردد، دولت آمریکا نیز به توافق برجام بازخواهد گشت. جمهوری اسلامی اما تاکید دارد که شرط بازگشت ایران به تعهدات برجامی، لغو کامل تحریم‌های آمریکاست.

برگزاری این مانور نظامی بزرگ و مانورهای قبلی در خلیج فارس در شرایطی رخ می‌دهد که تهدید اسرائیل و ایران علیه همدیگر بالا گرفته است و احتمال حمله نظامی اسرائیل علیه تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی، جدی‌تر از هر زمان دیگری مطرح می‌شود.

کارشناسان می‌گویند یکی از اهداف اصلی برگزاری چنین مانور نظامی بزرگی در منطقه، قدرت‌نمایی جامعه بین‌الملل علیه تهدیدهای سران جمهوری اسلامی ایران و نگرانی از برنامه اتمی این کشور است.

جمهوری اسلامی ایران تاکنون در واکنش به تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی تهدید کرده است که تنگه هرمز در خلیج فارس را می‌بندد و مانع از حمل و نقل نفت‌کش‌ها خواهد شد. آمریکا پیش از این تاکید کرد که اگر ایران این تهدید را عملی کند، تنگه هرمز را «به هر شیوه ممکن» بازگشایی خواهد کرد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران سخت‌نگران خیزش‌های مجدد مردمی است. به همین معاون وزارت کشور ایران از تشکیل کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته رصد» در زمینه تامین امنیت کشور خبر داد که در سال ۹۹ با حضور دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی تشکیل شده است.

حسین ذوالفقاری روز چهارشنبه گذشته به خبرگزاری ایرنا گفت که این کمیته با همکاری دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و سایر دستگاه‌ها به طور مستمر در طول سال وضعیت کشور را رصد و «کوچک‌ترین مشکل و نارسایی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیگیری می‌کند.»

به گفته او، این کمیته بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت کشور تشکیل شده است. معاون وزارت کشور همچنین از «افزایش آسیب‌ها در حوزه اقتصادی، معیشتی و همچنین پیامدهای بیماری کرونا و تأثیرات آن در زندگی مردم» در سال ۹۹ خبر داده که به گفته او «کار تامین امنیت را سخت‌تر کرد.» او توضیح بیشتری درباره این مسأله و همچنین وظایف و اختیارات «کمیته رصد» نداده است. پیامدهای اقتصادی ناشی از بحران ویروس کرونا، امکان شکل‌گیری هسته‌های ناآرام و ناخشنود در حاشیه شهرها سال احتمالاً ۱۴۰۰ را به دوره‌ای پر بحران تبدیل خواهد کرد.

در همین تاریخ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران نیز در بخشی از یک گزارش، با هشدار درباره «بیکاری ناشی از بحران کرونا» پیشنهاد داد که دولت حسن روحانی با «برنامهریزی صحیح مانع از بروز اعتراضات صنفی» و «بروز ناآرامی» شود.

همچنین سپاه پاسداران خود را مخاطب اصلی پیام نوروزی علی خامنه‌ای برای اداره امور کشور دانست. سردار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، با اظهار این مطلب در نامه‌ای خطاب به رهبر جمهوری اسلامی گفت: «قوی شدن ایران جوهر اصلی پیام الهی و نوروزی» رهبر جمهوری اسلامی است و «سپاه خود را نقطه مرکزی مخاطبان این فرمان‌های نورانی دانسته» و «برای تحقق انتظارات و منویات» رهبر «ستاد تحقق فرامین نوروزی ۱۴۰۰» با حضور فرماندهان نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی سپاه پاسداران و سازمان بسیج تشکیل داده است.

حسین سلامی در جای دیگری از نامه‌اش به رهبرشان نوشته است که سپاه پاسداران وعده‌های نوروزی رهبر جمهوری اسلامی را در صحنه پیاده می‌کند، کشور را از عوارض تحریم آزاد می‌سازد و برای تحقق این اهداف ستاد ویژه‌ای تشکیل داده که اولین نشست آن امروز سه‌شنبه سوم فروردین «با حضور هیئت رئیسه سپاه، رئیس سازمان بسیج، سازمان اطلاعات سپاه و مسئولان اقتصادی و قرارگاه‌های سپاه تشکیل شد» و «تصمیمات اولیه در قالب یک نقشه راه (... گرفته شد.»

مسلم است که هر کدام از دولت‌های جهان و منطقه به دنبال منافع اقتصادی و نظامی خود هستند هرگز دل‌شان به حال و روز مردم جهان نمی‌سوزد از این‌رو از جمله هر نیروئی اپوزیسیون ایرانی وارد این رقابت‌ها و بلوک‌بندی‌های دولت‌ها شود هم خود را می‌سوزند و هم در نزد اکثریت مردم ایران نیروی منفور به حساب می‌آید.

سران و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران همواره مواضع خطرناک و جنگ‌طلبانه و تروریستی اعلام می‌کنند و به همین دلیل جامعه ایران را در معرض بحران‌های فزاینده و عذیده‌ای قرار داده‌اند. این حکومت در این بیش از چهار دهه حاکمیت خود در داخل کشور نیز جز سرکوب و سانسور و تحمیل سیه‌روزی به مردم هنر دیگری از خود نشان نداده است. جمهوری اسلامی هم در نزد افکار عمومی جامعه ایران و جهان و منطقه یک حکومت تبه‌کار و منفور است. به همین دلایل اگر جنگ جدیدی در خاورمیانه به ویژه علیه ایران در بگیرد بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران تنها خواهد ماند و روسیه و ترکیه متحدان کنونی‌اش و یا چین نیز از او حمایت نخواهند کرد. اما قربانیان چنین جنگی مانند جنگ ایران و عراق و یا جنگ سوریه و یمن و همچنین افغانستان مردم ایران خواهند شد از این‌رو باید از هر طریق ممکن از بروز چنین جنگی جلوگیری کرد و هم‌زمان با صدای بلند بر سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی ایران و سایر دولت‌های فاسد منطقه با مبارزه پیگیری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و همه مردم آزاده و حامیان بین‌المللی آن‌ها تاکید ورزید!

پنجشنبه پنجم فروردین [حمل] ۱۴۰۰ - بیست و پنجم مارچ ۲۰۲۱